



ارگان رسمی جامعه جوانان شرق کوردستان و
اتحادیه زنان جوان شرق کوردستان

شماره ویژه ۸ مارس ۱۴۰۳

نشریه ایدنولوژیک، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

زن سرچشمی حیات است

به روحی ویان، سارایان و بشه نگان

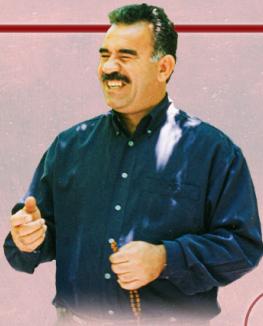
گوشegیری هەلۆدشینین

له گەل ریبەرايەتى،

کۆمەلگایەكى سۆسیالیست ژیان بکەين



فهرست



۵

رنهنود رهبر آپو
نیرو بخشیدن به زن لازمه سوسیالیزم است

۵
YJCR
کردیناسیون

برای روز زن
دنیز دریا

۲۱
رهبر آپو

زیبای حقیقی
روکن نقده

رفاقت پاک
ویان هەلۆ

رومانی سەركەوتىن

شەھيد سارا (سەكينە جانسز)

گەرانەوه بۇ گەوهەرى خۆت

بىشەنگ بىرۈسىك

بەھارى من

شەھيد سارا ھۇگر رحا

بۇ رېبەر و پشتىوانى رېزگارى، رېبەر ئاپۇ

لە پىننۇسى زىنەكى گەنچ

JI BO JINAN 8 È ADARA 2000 AN

56 Rêber Apo

LÊGERÎNA AZADIYÊ

59 Ji pênûsa jineke ciwan



۱۳

لە پىننۇسى زىنەكى گەنچ

JI BO JINAN 8 È ADARA 2000 AN

56 Rêber Apo

LÊGERÎNA AZADIYÊ

59 Ji pênûsa jineke ciwan



سخنرانی زنان چون

زنان جوان مبارز و آزادیخواه، ما با شماره‌ی ۸ مارس مجله ژیله‌مو و شعار «با روح ویان‌ها، سارها و بشنگ‌ها انزوا را نابود ساخته و حیاتی سوسيالیست را با رهبر آپو زندگی کنیم»، با شما هستیم و روز ۸ مارس، روز جهانی مبارزات زنان زحمتکش را به تمامی زنان جهان تبریک می‌گوییم. انسانیت روز های سرنوشت ساز و لحظات تاریخی را میگذراند، این برهه زمانی با تمام دشواری‌هایش از هر زمان دیگری به آزادی و دموکراسی حقیقی نزدیکتر است. در این مرحله از تاریخ مبارزات آزادی با فراخوان تاریخی رهبر آپو و سلام و درود ایشان برای زنان و جوانان وظایف ما زنان جوان از هر زمانی مهم تر و تعیین کننده تر است. با تجربه‌ای که از انقلاب زن زندگی آزادی به دست آوردیم، دیگر همگان بر این حقیقت واقف هستند که این تنها زنان و جوان هستند که میتوانند جامعه را از سایه سیستم اقتدارگرای مردسالار رها کنند. از ملزمات حیات آزاد و زندگی سوسيالیسم، فلسفه زن زندگی آزادی است و اولین کسانی که در برابر به پیروزی رساندن این زندگی مسئولیت دارند زنان جوان هستند. ما به عنوان زنان جوان باید، فراخوان تاریخی رهبر آپو، برای صلح و آشتی میان خلق‌ها و چاره‌یابی دموکراتیک را پایه و اساس مبارزات خود قرار دهیم. همان طور که رهبر آپو نیز گفتند رهبر آپو به مانند یک سوسيالیسم زندگی کرده و تمام زندگی مبارزاتی خود را وقف ایجاد جامعه‌ی دموکراتیک، همزیستی مسالمت‌آمیز خلق‌ها، آزادی زن و آزادی خلق کورد و تمامی خلق‌های تحت ستم کرد، در برابر این فدکاری و از خودگذشته‌گی ما زنان جوان با خواندن و درست فهمیدن رهبر آپو میتوانیم در کنار ایشان در این برهه تاریخی نقش خود را ایفا کرده و آزادی فیزیکی رهبر آپو را ممکن سازیم و پرسه‌ی ایجاد جامعه‌ی دموکراتیک را تسريع ببخشیم. ما زنان جوان شرق کوردستان و ایران، امسال در روز ۸ مارس با اراده‌ی عظیم و روحیه‌ی آزادی خواهی برای رسیدن به پیروزی، سوگند خود را دوباره کرده و در این روز بار دیگر با نیرومند ساختن همبستگی میان زنان، مبارزات خود را در برابر ذهنیت مردسالار و قدرتمدار، قوت بخشیده و روبه آزادی روانه شویم. به خودی خود روز ۸ مارس میراثی از مبارزات ما زنان از تاریخ تا به امروز در برابر ذهنیت استعمارگر، قدرتمدار و ظالم است. روز ۸ مارس را تنها نباید به جشنگرفتن و تبریک گفتن محدود کنیم، این ارتقای سطح مبارزات آزادی خواهانه ماست که میتواند شایسته‌ی اهمیت و معنای این روز باشد. ما زنان جوان شرق کوردستان، تمام تلاشمان این بود، با دانایی، عشق، روح، همبستگی و احساسات زن این شماره ویژه از مجله ژیله مو را برای ۸ مارس آماده و به شما تقدیم کنیم. امیدواریم که توانسته باشیم این احساسات و عشق خود به شما را در مطالب این مجله که در باب مسائل روز زبان جوان، زنان انقلابی، شعر و هنر ... که به قلم زنان جوان گردآوری شده است، به شما نیز انتقال داده باشیم. بار دیگر روز ۸ مارس روز زنان زحمت کش جهان را به تمام شما زنان جوان و زنان مبارز تبریک می‌گوییم، ما امیدواریم بایکدیگر زندگی آزاد و سوسيالیست را بیافرینیم و در کوردستان در کنار رهبر آپو آزاد زندگی کنیم.

با زن، زندگی، آزادی، به پیروزی برسان آزادی را
زمان انتقام است

ریله مو

به معنای اخگر زیر خاکستر

ارگان رسمی جامعه جوانان شرق کوردستان KCR
و اتحادیه‌ی زنان جوان شرق کوردستان YJCR
شماره ویژه، ۱۴۰۳
نشریه ایدئولوژیک، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
این شماره را به شهید قیان هەلۆ تقدیم مىنماییم.



Viyan Helo

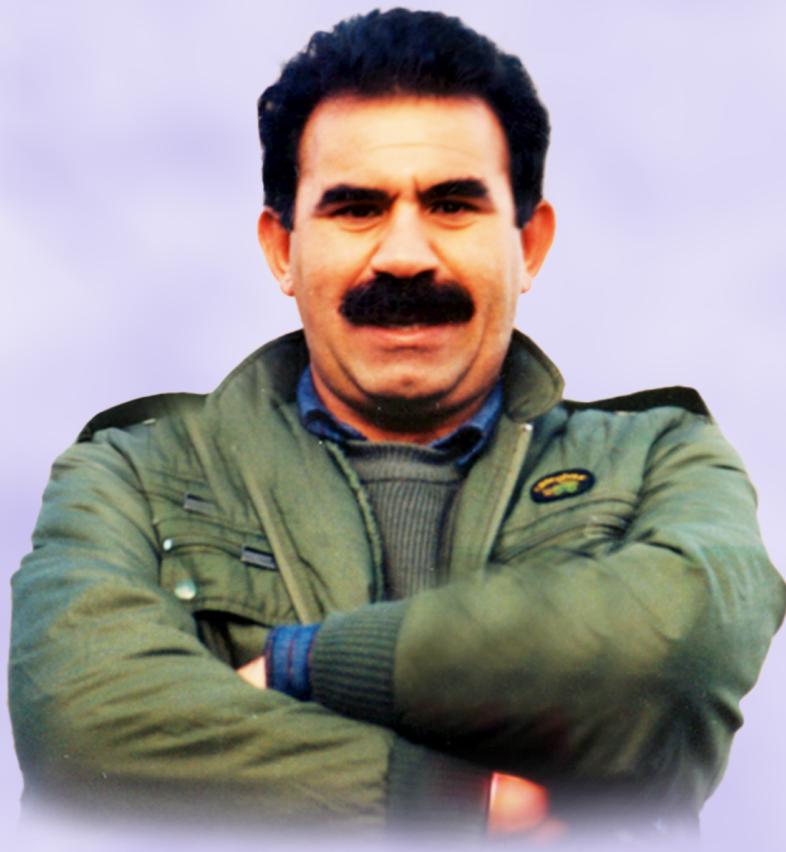
نیروی پیشیدن

به نفع

لارده

سوسیالیسم است

برگفته از تحلیلات رهبر آپ



بر پایه آزادی، زن در رأس همه امور قرار دارد. تا زمانی که زن با واقعیت ذهنیت، ایدئولوژی، سازمان، فشار و استثماری که در پیرامونش دیوارچین کرده‌اند، مورد ارزیابی قرار نگرفته و یک چاره‌یابی مبتنی بر این، ژرفاداده نشود، هر اندازه انقلاب و بنابراین مبارزه، سوای مسئله آزادی زن در نظر گرفته شود، ممکن نیست که نه مبارزه بتواند کاملاً به یک مبارزه آزادی و نه صلحی احتمالی بتواند به صلحی راستین مبدل گردد. یک شرط اساسی و بسیار ریشه‌ای این، تجزیه و تحلیل شبکه روابط موجود در اطراف زن است. از خانواده گرفته تا اخلاق، حتی فلسفه و حیات دینی، تمام این‌ها در این مورد چه می‌گویند؟ فراتر از این نیز چکاری انجام داده‌اند، در فکر انجام چه چیزی هستند؟ چگونه نظامی تشکیل

پیش از هر چیز، اینکه تنها هشتم مارس روز جهانی زن باشد بجا نمی‌بینم. بایستی تمام روزها روز زن آزاد باشد و این، یک شرط اجتناب‌ناپذیر زندگی است. ولی حتی واقعیت هشتم مارس بسیار آشکارا نشان می‌دهد که در زندگی زن وجود ندارد. وجود چنین برخوردي که انگار زن تنها در چنین روزی ارزش یادآوری دارد، ژرفای جنبه بردنی را نشان می‌دهد. این موضوع یک حوزه فعالیتی است که به تدریج بر روی آن تأمل می‌کنم. این را جدای از مبارزه نمی‌بینم. حتی چنانچه در تمام انقلاب‌ها هست، اصلی‌ترین موضوعی که انقلاب‌های امروزی‌مان و بهویژه انقلاب کوردستان بایستی در آن موفقیت کسب کند، تحلیل‌کردن زندگی بر محور زن می‌باشد. از بر جسته‌ترین مسائل مبارزه گرفته تا صلح و پیشرفت آن

هشتم مارس می‌گذرد. حتی نزد ما امورات چنان حالتی به خود گرفته‌اند که فکر نمی‌کنم یک زن و یا مردی که در این باره نتواند گذار صورت داده و چندان حق زندگی را بیابد. نه تنها در میان خلق کوردستان بلکه نیروهایی هستند که می‌خواهند در سطح بین‌المللی موضع شان را نشان داده و به‌ویژه زنان می‌خواهند که این مرحله را درک کنند. معتقدم که رغبت زن رفتگرته افزایش خواهد یافت. علت اساسی این، اصرار یک جهان توأم با حاکمیت مرد بر تداوم اعتبارش بوده، به‌شکلی که گذشته را تمیز نخواهد کرد. حتی ایدئولوژی درآمیخته با حاکمیت مرد و بازتاب آن به زندگی، مسئله زن را بغرنج‌تر ساخته است. به‌ویژه در انقلاب‌های قرن بیستم اگرچه به لحاظ زن برخی گشايش‌ها صورت گرفته باشند، ولی به چاره‌یابی کامل آن دست نیافته‌اند. حتی در کشورهایی که سوسیالیسم رئال در آن تحقق یافته و به رسمیت شناخته شده نیز این امر به انقلاب زن انتقال نیافته و تداوم معیارهای زندگی کلاسیک حتی در شخصیت‌های رهبری که خود را بهترین سوسیالیست می‌خوانند به روشنی قابل مشاهده است.

در حالی که گفته
می‌شود انقلاب بدون زن
امکان‌ناپذیر است
زندگی بدون زن نیز
همان‌طور،
این صحیح است

شده است؟ تحلیل تمامی این‌ها حیاتی است. می‌خواهم بیان کنم که هر اندازه بر روی انقلاب کوردستان تأمل می‌نمایم، ابراز علاقه هر چه بیشترم به مسئله و جستجوی یک راه حل در راستای آن، جدای از مبارزه نیست. هم در پیشبرد مبارزه و همچنین در ایجاد تحول بر اساس معنای صحیح آن، نیاز به ارزیابی کردن جدی این مسئله را احساس می‌کنم. در حالی که گفته می‌شود انقلاب بدون زن امکان‌ناپذیر است، زندگی بدون زن نیز همان‌طور؛ این صحیح است. ولی امروزه زندگی همراه با زن با این وضعیتش، به خصوص زندگی مردم‌محور در شرایط موجود، شکل حیاتی است که هنوز هم در پذیرفتن آن دچار دشواری می‌گردد. حتی اگر بگوییم که انقلابم را با هدف تغییردادن این شیوه زندگی صورت داده‌ام، شاید توانسته باشم که به‌شکلی جالب، واقعیتی را بیان نمایم. چنانچه مشهود است، هنگامی که پرسشی حاکی بر اینکه هشتم مارس از دیدگاه زنان جهان می‌تواند چه معنایی داشته باشد، پرسیده می‌شود، پاسخی که بدان داده شود این است که به لحاظ یادآوری یک بردگی ژرف‌یافته و بسیار نمادین، حتی به نظرم تا حدودی هم دادن اهمیتی غیر جدی می‌آید. چرا فقط یک روز، روز زن می‌شود؟ چرا یک عنصر انکارناپذیر زندگی، یک روز برای گرامیداشت او می‌ارزد؟ یک روز دیگر مثل روز مادر به زن هدیه داده می‌شود. به نظرم این‌ها بیانگر عدم صمیمیت بوده و بایستی از آن گذار صورت داد؛ تمامی ایام را همانند هشتم مارس در نظر گرفته و بسط داد. به لحاظ کوردستان، چیز چندانی برای گفتن در مورد امروز نداریم. ما با تلاشی بزرگ، در حال پیشبرد انقلاب توأم با زن هستیم. هر روز بسیار فراتر از شیوه کلاسیک گرامیداشت



پا روحیه‌ای فدایی به مانند زیلان زمانه، رفیق آسیه میتوان آزادی فیزیکی رهبر آپو را امکان پذیر کرد

رویدادهایی که پشت سر گذاشته‌ایم نیز صحیح نمی‌باشد، زیرا تلاش و زحماتی که زنان در هر لحظه از زندگی متحمل می‌شوند، تبدیل به تاریخ زنان کورد و تمامی زنان جهان می‌شود. این مبارزات و تجربه‌های به دست آمده را باید به عنوان میراثی گرانبهای بنگریم. ما سال دشواری را پشت سر گذاشتیم، خشونت، تهاجم، تجاوز و کشتار همچنان ادامه دارد، اما با این حال روند مبارزات زنان نیز بسیار مهم بوده است. قبل از هر چیز نباید فراموش کنیم علی‌رغم تمام این حملات، زنان در برابر رژیم ایران، دولت فاشیت و استعمارگر ترکیه و دیگر دولتهای زن‌کش سرخ نکردند. هراندازه‌های که هزینه‌های گرانبهای در این راه متحمل شده باشیم، در نتیجه می‌دانیم که آزادی رایگان به دست نمی‌آید، همانگونه که رهبر آپو می‌گویند: دردی که انسان را

زنان جوان میهنه دوست

در ابتدا روز ۸ مارس، روز مبارزه‌ی زنان زحمتکش را به تمامی زنان جهان تبریک می‌گوییم. تاریخ کهن زنان، امروزه با مبارزه‌ی جسورانه‌ی تمام زنان جهان، الهه‌های آزادی را می‌آفریند، به خصوص در ایستار زن کورد مبارزه آزادی به مرحله‌ی حساس و مهمی رسیده است. سال ۲۰۲۴ با مبارزات زنان به سالی پر از رویدادهای مهم مبدل شد. قطعاً نیاز داریم تا سال ۲۰۲۴ را تحلیل نموده و در مورد آن به گفتگو و پردازیم، زیرا تجربه‌ای که در این سال به دست آمده، میراث زحمات و تلاش‌هایی است که زنان هر ساله با آن‌ها روبرو می‌شوند و در نتیجه برای سال پیش رو تجربه و درس‌هایی نو در راه مبارزات برای ما به ارمغان می‌آورد. گفتگو درباره‌ی این میراث گرانبهای تنها به مانند

خود را بر تاریخ امسال حک کرد عملیات فدایی رفقای ما بود. زن جوان شهید آسیه علی به عنوان یک قهرمان آپوئی به ما نشان داد دلسوز میهن بودن و مقاومت در راه حیات آزاد باید به چه صورت باشد و راه مبارزات ما زنان جوان را روشن ساخت.

زنان جوان میهن دوست

اگر نیازمند قطب‌نمایی باشیم تا با آن بتوان روش‌نایی را پیدا کنیم، راهی جز جنبش آپوئی برای رسیدن به این روش‌نایی وجود ندارد، به همین دلیل نیز پیوستن به افکار و فلسفه‌ی رهبر آپو برای ما همچون یک قطب‌نما، مسئله‌ای ضروری در پیدا کردن راه است.

هنگامی که به ۵۲ سال مبارزات رهبر آپو می‌نگریم، متوجه می‌شویم که مملو از مقاومت است و این مقاومت دلیل حیات ما زنان جوان است. اگر رهبر آپو نبود نه تنها نمی‌توانستیم از فرهنگ و زبان صحبت کنیم بلکه حتی نمی‌توانستیم از موجودیت و موقعیت خلق کورد صحبتی به میان بیاوریم، همچنین اگر مبارزات رهبر آپو نمی‌بود به عنوان کورد حتی حق نفس کشیدن هم نداشتیم و زندگی برای ما معنایی نداشت و به عنوان زنان

از پای نیاورده باعث آفرینده شدن انسانی نیرومند و قوی می‌شود. باید پرسید چرا دردها و هزینه‌های گرانبها در راه آزادی پرداخت می‌شود؟ زیرا هزینه پرداختن در راه آزادی مایه‌ی شرافت انسانیت است، در راه آزادی مبارزه کردن و هزینه دادن، عشق به حیات را عمیق تر و هدف انسان را شفاف‌تر و روشن‌تر می‌کند. رهبر آپو در اینباره می‌گویند: اگر انسان هدفی داشته باشد باید هدفش به مانند خورشید روشن باشد. در نتیجه‌ی مبارزات زنان، اتحاد خلق‌ها امکان پذیر گشته و به مانند خورشیدی بر جهانیان می‌تابد، به خصوص در سرزمین‌هایی که زنان به صورت فعال در آن جای گرفته‌اند، مبارزات دلیرانه زنان تبدیل به نیروی اتحاد خلق‌ها گشته است.

زنان جوان در این ارتباط فعالترین نیرو و دارای نقشی مهم هستند. در عین حال زنان جوان از دبستان تا دانشگاه از خیابان تا کارگاه‌ها و کارخانه در حال مبارزه و حرکت هستند. به همین دلیل هم در آغاز سال ۲۰۲۵ لازم است تجربه‌های به دست آمده در این برهه‌ی زمانی موثر واقع شود و باعث نیرومند شدن مبارزات گردد. در همین باره نیز یکی از نمونه‌هایی که مهر

روش نمی‌توانند نیرومند مبارزه کنند، بلکه باید گام‌های عملی بردارند. نحوه‌ای که تنها طلب می‌کند و چشم به راه آزادی دوخته است، بر اساس روحیه‌ی جوانی و مطابق با این برده زمانی نیست. اگر خواهان آزادی باشیم باید مبارزات و گام‌هایمان نیز بر اساس مبارزات دراز مدت سازماندهی شود. روحیه‌ی جوانی به ویژه از سوی زنان جوان لازم است در سال ۲۰۲۵ نیرومندتر شود. به همین جهت امروزه هزاران زن مبارز در جنبش آپوئی حضور دارند و به مبارزات می‌پردازنند.

شهید سارا (سکینه جانسز) که از بنیانگذاران جنبش آپوئی است به عنوان زنی جوان مبارزات آزادی را آغاز نمود. و این میراثی است که از رزا لوکزامبورگ، کلارا زتکین و آندریا ولف (شهید روناهی) آغاز گشته بود. شهید سارا در مسئله‌ی

جوان زندگی چیزی جز بردگی نمی‌بود. امروز زنان جوان در شرایط دشواری قرار دارند، رژیم ایران زندگی را به وضعیتی بردگی برای همه‌ی جامعه و به ویژه برای زنان جوان مبدل ساخته است. در مقابل، ما امروزه زندگی شرافتمدانه‌ی خود را مدیون رهبر آپو و مبارزات ایشان می‌دانیم. اگر امروز از آزادی صحبتی به میان می‌آید، بر اساس فلسفه رهبر آپو و نتایج زحمات ایشان است. شکل گرفتن زندگی انسانی با آزادی و دموکراسی معنا می‌یابد و این مسئله از طریق رهیافت ملت دموکراتیک رهبر آپو ممکن می‌شود. تا آزادی جسمی رهبر آپو پیشبرد بی‌وقفه‌ی مبارزات وظیفه‌ی اصلی ماست و در این راه هیچ توقف و اهمال وظیفه‌ای قابل قبول نیست. تنها در لفظ، رفاقت با رهبر خلق‌ها رهبر آپو کافی نیست، زنان جوان تنها با این



با رهبر آپو، رفاقت با آزادی است، به همین دلیل زمان آن فرا رسیده همه و به خصوص زنان جوان شرق کوردستان به خوبی رهبر آپو را بشناسند. اگر رهبر آپو به خوبی شناخته شود آنگاه ارتباط و رفاقت با آزادی ممکن می‌شود. برای سازماندهی زنان رهبر آپو زحمات گران‌بهایی کشیده است، با اطمینان می‌توانیم بگوییم که بزرگترین زحمتکش سازماندهی کردن حزب زنان رهبر آپو است. رهبر آپو با تلاش‌های فراوان در روز ۸ مارس سال ۱۹۹۸ پنچ مبداء ایدئولوژی زن را برای همگان اعلام کرد. بر این اساس محتوای ۸ مارس با ایدئولوژی، تئوری و پراتیک نیرومندتر گشت. روز ۸ مارس با تمام اهمیتش تابه امروز در ایستار زنان آزادیخواه نیرومندتر گشته و بزرگتر شده است. در عین حال نیروی سازماندهی زنان بعد از سال ۱۹۹۸ به شکلی نیرومندتر پیش رفت. نکته‌ی مهم این است که امروز خود را در قبال آزادی مسئول بدانیم، به خصوص زمان آن رسیده که زنان جوان شرق کوردستان و ایران سازماندهی و مبارزات را نیرومندتر کنند زیرا در این دوران اگر کسی بتواند در شرق

حزبی شدن زنان و در سازماندهی ارتش زنان، مبارز و زحمتکش بی‌همتایی است. در نتیجه این مبارزات است که امروزه ۸ مارس به روزی با معنا مبدل گشته است. اگر کشتار زنان در کارخانه‌ای در نیویورک بیصدا و خاموش می‌ماند، آیا این میراث مبارزات امروز می‌توانست وجود داشته باشد و ادامه پیدا کند؟ باید بدانیم روز ۸ مارس با این زحمات و مبارزات به روز زنان زحمتکش جهان مبدل گشته است و در عین حال اگر ما قطره‌ای از این دریای مبارزات باشیم، برای ما شرافت و کرامت بزرگی است. اینک زمان فروزان‌تر کردن آتش آزادی است، زمان زمان پیروزی، استقلال و رهایی ملی است. در ایستار زن آزاد کورد، تاریخ آزادی از نو نوشته می‌شود و این به میراثی با ارزش برای آیندگان و تمامی انسانیت باقی خواهد ماند. زنان جوان شرق کوردستان و ایران در این ارتباط مسئولیتی تاریخی دارند. پذیرفتن مسئولیت تاریخی باید به مانند قهرمان باشکوه شیهد آسیه علی باشد. در واقع ایجاد رفاقت حقیقی نیز با رهبر آپو و زیلان زمانه‌ی ما یعنی شیهد آسیه علی میسر می‌شود. رفاقت

چیزی ما نیازمند انقلاب آزادی کوردستان هستیم، حتی به جاست که بگوییم از نان و آب و هوانیز بیشتر نیازمند انقلاب هستیم. ما ملتی هستیم که در طول تاریخ تمدن همیشه در خدمت قدرتمندان بوده‌ایم، و این سبب شده که قلب‌هایمان نیز به بند کشیده شود. و همچون زنان به بردهی برده‌گان تبدیل شده و دچار شکست اجتماعی شده‌ایم، به همین دلیل هم لازم است زنان جوان برای آینده تصمیمات بزرگتری بگیرند. در ارتباط با این موضوع ملاقات با رهبر آپو برای زنان جوان و جوانان شرق کوردستان حائز اهمیتی بالا است، زیرا رهبر آپو در این ملاقات مسائل بسیاری را توضیح داده و نیروی چاره‌یابی را که آفریده در اختیار انسانیت قرار داده است. فهم و درک و تحلیل ما زنان جوان از سلام و درود رهبر آپو باید بدین گونه باشد که رهبر آپو ما را به مبارزه‌ای نیرومندتر دعوت می‌کند. و این مبارزه بزرگ می‌تواند درب زندان امراضی را از جای بکند. اگر ما به عنوان زنان جوان (دانشجو، کارگر، دانشمند و هنرمند و...) امروز مسئولیت اساسی انسانیت را به جای نیاوریم نسل‌های بعد از ما و

کوردستان و ایران آزادی را محقق کند این زنان جوان هستند که بتوانند به این امر بپردازنند. تنها با حرف زدن نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود، آن چیزی که لازم است فدایکاری، تلاش و به صورتی رادیکال جستجوگر حقیقت بودن است، و در واقع در این جستجوگری است که می‌توانیم هستی حقیقی خود را بیابیم. زنان نباید روز ۸ مارس را تنها در حد و چهارچوب جشن و اعتراض محدود کنند، ما از تمام زنان دعوت می‌کنیم که هر روز را به ۸ مارس و هر روز را به روزی شرافتمدانه تبدیل کنند.

زنان جوان می‌بینند دوست

امید آزادی با گذر زمان در دل همگان بزرگتر می‌شود ولی اگر تلاش بر اساس آرزو و اهداف نباشد، نمی‌توان گفت که آزادی را به دست آورده‌ایم، اکنون زمان فدایکاری است. اگر امروز ممکن نشود پس کی؟ آیا به نظر شما برای یک سری از مسائل دیر نشده است؟ چیزی باقی مانده است که از دست بدھیم؟ هر چیز ما زنان از ما گرفته شده است، و نباید گفت که نیازی به آزادی و رهایی نیست، یا نباید گفت که ما با زبان و فرهنگ خود زندگی می‌کنیم پس نیازی به انقلاب نیست، بیش از هر

راه داده شده، و نباید فراموش کنیم که بهای آزادی آسان نیست. اگر به دست آوردن آزادی آسان و ارزان بود روناهی‌ها و بریوان‌ها خود را به حلقه‌ای از آتش تبدیل نمی‌کردند. با روحیه‌ی آن زنان انقلابی و مبارز است که مامی‌توانیم توطئه بین‌المللی را نابود کرده و آزادی جسمی رهبرمان را محقق سازیم. شانس و فرصت به خودی خود به وجود نمی‌آید، خود انسان با تلاش‌ها و زحماتش است که فرصت‌ها را به وجود می‌آورد و شانس را محقق می‌سازد، یعنی انسان باید بخواهد، زحمت بکشد و تلاش کند. زمانی که تلاش و زحمت در کار باشد نتیجه نیز حاصل می‌شود و نیازی هم به شانس باقی نمی‌ماند، یعنی مبارزات‌مان را به شانس و تقدیر و اگذار نخواهیم کرد.

از این راه ما از زنان جوان دعوت می‌کنیم که با مبارزه‌ای بی‌همتا به کارزار زمان انتقام است بپیوندند. با روحیه‌ای مبارز و جنگجو می‌توانیم روز ۸ مارس را با معنا‌تر سازیم. ۸ مارس را به تمام زنان زحمتکش و آزادیخواه جهان تبریک می‌گوییم.

تاریخ هیچ گاه ما را نخواهد بخشید. وظیفه و مسئولیت زنان جوان میهن دوست و انقلابی این است که به وسیله ۸ مارس هر مکان را به صحنه و میدان مبارزات آزادی مبدل سازند. این تنها یک خیال نیست، بلکه با گسترش مبارزات‌مان می‌توانیم ۸ مارس را همراه با رهبرمان جشن گرفته و در کنار هم باشیم. لازم است ما برای رهبرمان در هرجا قیامت به پا کنیم و انتقام ۲۷ سال اسارت و انسزا را بگیریم. در این راستا زمان زمان انتقام از هزاران سال ذهنیت مردسالار و زن‌کش است. زمان زمان انتقام گرفتن از دردهایی است که خلق کورد متholm می‌شود.

ما همچون زنان جوان خود را در هر جایی از کوردستان به گلوله‌ای از آتش و انتقام تبدیل کرده و با کارزار با روحیه‌ی زن زندگی آزادی به پیروزی برسان آزادی را و زمان انتقام است و نیروی دینامیک و محرك زنان جوان، جامعه‌ای اخلاقی و سیاسی بر اساس ملت دموکراتیک بیافرینیم. برداشتن گام‌های عملی برای این مسائل مهم بر عهده‌ی زنان جوان قرار دارد. سالیان دراز است که زنان کورد و زنان جوان با فدایکاری ۸ مارس را تا به امروز آورده‌اند. مطمئناً هزینه‌های بسیاری در این

مبارزه ای که ۸ مارس را جهانی کرد پایه و

اساس لش لرژش های تاریخی زن است

دنیز دریا 

برای اینکه این ارزش های مادی و معنوی تاریخی زن را از میان بردارد با عقلیت دشمنی با زنان تابه امروز ادامه میدهد. مرد و زن، انسان و انسان و جامعه و جوامع را در برابر هم به مانند دشمن قرار دادند و به ضد یکدیگر درآوردند. به جای واقعیت و راستی، دروغ و فریب را گسترش دادند و اینگونه تلاش کردند جوامع را فریب دهند. با عنوان دفاع از حقیقت با شدت زن را سرکوب و محکوم به سکوتی عمیق کردند. تاریخ رسمی ای که به دست مرد نوشته شده تاریخی است جنسیت‌گرا و هیچ ارتباطی با زن ندارد و در آن نیز جای زنان وجود ندارد. برعکس، تاریخی که نوشته شده برای مشروعیت بخشیدن به قدرت و حاکمیت مرد و از میان بردن حقیقت آراییده شده است. مرد بودن واقعی باشد و قتل عامی که بر زن

با پیدایش و جهانی شدن طبقه فرادست-تمدن تا روزگار امروز مبارزه ای بزرگ از طرف زنان شکل گرفته و جهانی شده است. زنان در برابر این هژمون گرایی با مبارزه‌ی خود به میدان آمدند. هزاران زن به عنوان اینکه ساحره‌اند سوزانده شدند و بعلاوه برای اینکه نسل آن زنان الهه را نابود کنند و برای ما و تمامی زنان درس عبرت شود سرشاران را با گیوتون بریدند، سنگسار و باشکنجه، قتل عام کردند. به اسم عشق، دوست داشتن و ازدواج مهر ناموس بر آنان زدند و قتل کردند. داستان‌های زیادی با عقلیت مرد برای سیاه نمایی زنان نوشته شدند. متاسفانه در قرن ۲۱ نیز هنوز این ذهنیت قاتل و ویرانگر کارهای خود را ادامه میدهد. مردسالاری، سروری و حاکمیت خود را بر همه‌ی ارزش‌هایی که زن خلق کرده به وجود آورده و

. می بینند که مردی که او را سرور و فرادست خود میداند، خود زن به دنیا آورده، شیر داده و با زحمت خود بزرگ کرده است و زن است که او را خلق کرده است و ۹ ماه در شکم خود حمل کرده، هر چیزی که خورده را با او تقسیم کرده و او همان فرزندی است که ضعیف بوده و نمیتوانست از خود مراقبت کند و سرپای خود بایستد. با هوشیار و آگاه شدن زن، می بیند که آن ظالم و ستمکار فرزند او بوده و با دانستن این حقیقت، از او خوف میکند و می ترسد. از وضعیتی که به آن

روآ میدارد سنجیده میشود. مردی که زنی رانکشته، او را کتک نزده و در خانه محبوس نکرده باشد مرد به حساب نمی آید. زن ابتدا این را مثل خواست خدا و قدر قبول کرده وبه او قبولانده اند که امری طبیعی است و او نیز این را باور کرده، اینگونه باور کرده است که خدا مرد را بزرگ حاکم کرده و لازم است زن نیز با بهترین شیوه به مرد خدمت کند و دلش را شاد کند. زمانی که میبیند ذهن و چشم او کور شده و حقیقت را نمی بیند و درستی را تشخیص نمی دهد میفهمد که توسط

بعضی ها به اسارت و برده‌گی کشیده شده است. با اندوه و غمی بزرگ به آنچه که به آن باور کرده بود و کسی که به او خدمت میکرد مینگرد و می فهمد که همه‌ی آنها دروغ و فربیکاری بوده است. چیزهایی که گفته شده بجز وسیله ای برای خدمت به مرد قادرمند و حاکم نیست



رهبر آپو در زنده کردن زن آزاد و به پیروزی رساندن این خط با اصرار و ایمان و یقین بود.

بود. از جمله‌ی این حقایق تاریخی رفیق سارا، از اولین رفقا و همراهان راه مبارزات رهبر آپو است. رفیق سارا در اوایل جوانی عمر خود با جنبش آپوی آشنا می‌شود و در بنیانگذاری این جنبش شرکت می‌کند و بذر جنبش زنان را با سازماندهی و ملحق کردن زنان جوان کاشت. رفیق سارا با آگاه ساختن زنان جوان و تشویق آنان به سوی آزادی به مانند رهبر و پیشاهنگ ظهرور کرد. زنان را از حملات حاکمان قدرتمدار و برده‌گی زنان آگاه کرد و همچنین چگونگی رفاقت درست با رهبر آپو را به آنان نشان داد. در سالهای ۱۹۷۰ گام‌ها بسوی تشکیل جنبش زنان از طرف پیشاهنگ بزرگ، رفیق سارا و رهبر آپو و همچنین بسیاری از رفقاء گرانقدر به مانند آزیمه، برویان، بنفس، بریتان و زیلان‌ها گذاشته می‌شود و به مانند رودی به دریای مبارزات زنان می‌پیوندد. زنان کورد میراث ۸ مارس را اینگونه به پیش می‌برند. رهبر آپو در زنده کردن زن آزاد و به پیروزی رساندن این خط با اصرار و ایمان و یقین بود. بدین سبب نیز بزرگ بودن رهبر آپو مورد توجه قرار می‌گرفت. در تاریخ

دچار شده نفرین و لعنت می‌کند و در برابر مرد ظالم به مبارزه برمی‌خیزد. با آگاهی از آنکه ممکن است در این راه سرش بریده، شکنجه و اعدام شود به مبارزه اش ادامه میدهد. هر اندازه که مبارزه می‌کند نیرومند تر می‌شود و زمانی که نیرومند است درک می‌کند که همه ارزش‌هایی دزدیده شده است و آن ارزش‌هایی که خود آفریده، چگونه از او گرفته شده و او را به وضعیتی بی چاره و بی ارزش دچار کرده‌اند. درد محکوم شدن به زندگی نابرابر و به دور از آزادی را می‌بینند. در بسیاری از مناطق جهان در برابر ذهنیت و عقلیت جنسیت گرایی جامعه مردسالار زنان با آگاهی و هوشیاری که کسب کرده اند به مبارزه برخاسته و قرن ۱۹ این مبارزات هر روز بزرگ‌تر می‌شود و زنانی که آگاه شدند در بسیاری از مناطق اروپا برای حق و حقوق خود مبارزه می‌کنند. ۸ مارس با ظهور جنبش آزادی و جنبش زنان کورد و پیشاهنگان آن جنبش آزادی صاحب هویت زن آزاد است. کسی که آن را در میان صفحات پنهان و نانوشته‌ی تاریخ پیدا و آشکار کرد رهبر آپو

و جنسیت گرایی) را آشکار و بیان کرد. برای اینکه زن را از نظر روحی، فکری، فیزیکی و اراده یکی گرداند سالها بدون وقه کوشش کرد. رهبر آپو از صمیم قلب باور داشت که زن با اراده و آزاد که به خود باوری رسیده، میتواند جهان آزاد را بنیانگذاری و آراسته کند و با این باور و ایمان خود به جنگ با تاریخ مردسالاری برخواست و فعالیت آزادی زن را تداوم بخشدید. توطئه بین المللی نیز بر اساس این واقعیت به وقوع پیوست. رهبر آپو ایدولوژی آزادی زن را که از ننان و آب حیاتی تراست را پیشکش زنان کرد و به همین سبب نیز رهبر آپو بهترین و درست ترین رفیق و یار زنان است. رفیق واقعی همه‌ی زنانی است که برای آزادی قیام و مبارزه می‌کنند و این حقیقت را با اینکه مبارزه، زن را زیبا، درست و

هیچ رهبر دمکراتیک و سوسیالیست دیگری نتوانسته به سطح فکر آزادی رهبر آپو برسد و در آفریدن زن آزاد و زندگی آزاد و همچنین درخواست برای مبارزه آن به مانند رهبر آپو باشد. با ایمان و یقین به اینکه زندگی آزاد تنها با زن آزاد میسر میشود تمامی نیروی خود را به کار میگیرد. رهبر آپو ذهنیتی که تاریخ جنسیت گرایی نشان میدهد را نفرین و لعن特 میکند و میگوید "اگر زندگی ای وجود دارد باید آزاد باشد، بجز این چیزی به نام زندگی وجود ندارد". رهبر آپو فعالیت و مبارزه در باب آزادی زن را مسئولیت و فعالیت خود میدید و میبینند. از زن برده نفرت میکرد و دربرابرش به جنگ و مبارزه پرداخت، همه‌ی ابزارهای بردگی زن (دین گرایی، علم گرایی، سیاست گرایی

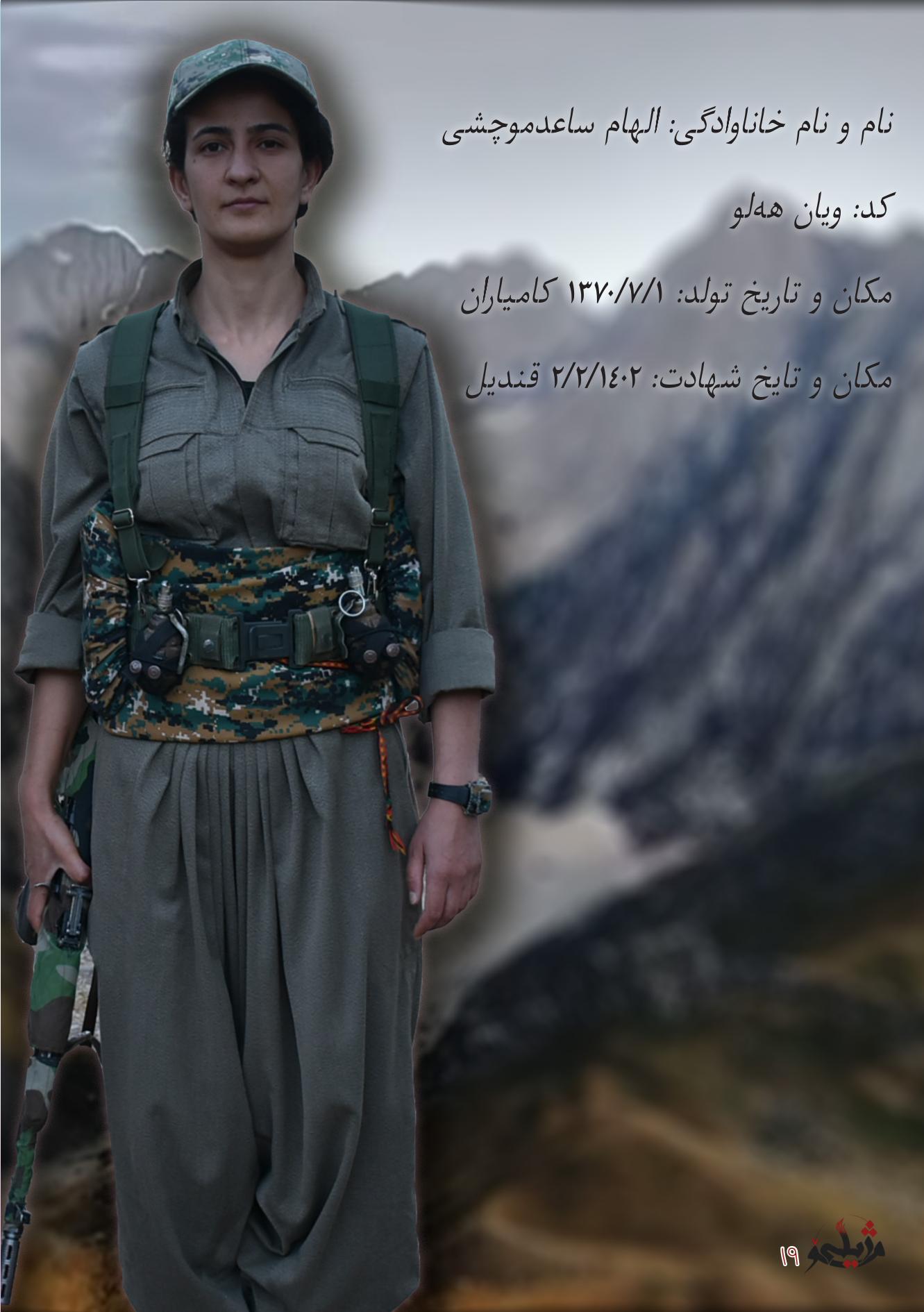


این باور است که زن یکمین قشر و ملتیست که با آزادی اش جهان نیز آزاد میشود و براین اساس مبارزه آزادی زن را گسترش داد. ایدولوژی آزادی، ارتقش و جنبش آزادی زنان را پایه و بنانهاد و با واقعیت زن مبارز هر ۸ مارس تغیر ایجاد کرد. هر روز را به روز مبارزه و مقاومت تبدیل کرد، هر روز از ذهنیت جنسیت گرا انتقام گرفت و هر روز با خلق زن باراده در جامعه باوری بنانهاد. همه‌ی اینها در سایه تلاش و کوشش زن کوردو همراهی رهبر آپو با عشق آزادی، با جسارت و باوری بزرگ بوجود آمده است. زنان جوان نیز با ادامه دادن این میراث و تاریخ مبارزه و مقاومت زنان پیشاہنگ به پیروزی نهایی برسند. این میراث و تاریخ با قهرمانی زنانی که در دوران جوانی خود شروع به مبارزه کردند بدست آمده. اینان هم تاریخ وهم ارزش‌های مبارزه و مقاومت زن دانست. زنان جوان نیز با تعقیب و ادامه دادن همه‌ی این تجارت و میراث بتوانند موضعی درست در پیش بگیرند و همچنین با موضع شهید سارا در برابر سیستم سرمایه دار و فئودال بتوانند

آزاد میکند نشان داد و هر روز نیز این واقعیت، خود را نمایان میسازد. بنابراین راهی که بسوی آزادی زن میرود از آزادی جسمانی رهبر آپو گذار میکند و همین طور نیز با آزادی جسمانی رهبر آپو آزادی زن نیز میسر میگردد. تحقق هر کدام راه را برای تحقق دیگری می‌گشاید. زنی که در مبارزات خود آزادی جسمانی رهبر آپو را هدف قرار ندهد ضمانتی برای مبارزه‌ی او وجود نخواهد داشت. آزادی جسمانی رهبر آپو را به مانند آزادی خود دانست و در برابر ذهنیت جنسیت گرایی مبارزه‌ای عظیم کردن مسئولیتی اخلاقی است. در اصول پایه‌ی ای اخلاقی اگر آزادی رهبر آپو هدف اساسی نباشد تشکیل و دفاع از زندگی آزاد دشوار و حتی غیرممکن میباشد. رهبر آپو صاحب مبارزه‌ای بزرگ در برابر عقلیت مردسالاری ای است که تمامی بی ارزشی‌ها را در قبال زنان انجام میدهد و مسئله‌ی زن را نیز از مسائل جامعه جدا نمی‌بیند بلکه برعکس آن، زن را نیروی اساسی آزادی جامعه و پیشاہنگ تشکیل جامعه دمکراتیک می‌داند. رهبر آپو بر

موضعی بروزتر اتخاذ کنند. ما در انقلاب زن زندگی آزادی رهروان این راه را دیدیم و در آینده نیز این راه را ادامه دهیم و ۸ مارس را از ایران و شرق کوردستان به خاورمیانه گسترش دهیم. زنان جوان با ایمان و باوری به آزادی، راه فلسفه‌ی آزادی که در جنبش آزادی زنان است را ببینند و به روش‌نایی راه خود تبدیل کنند. هیچ کس به تنها‌یی نه میتواند به آزادی برسد و نماینده آزادی باشد و نه میتواند این کاری را به انجام برساند. این کار با جنبش، ایدولوژی، فکر و موضعی سازمان یافته میتواند میسر شود. ما با یک کس شروع کردیم و به ملیون تبدیل شدیم، امروز نیز با ملیون شروع کنیم و کیهانی شویم. امروز نیز زنان شرق کوردستان و به ویژه زنان جوان با روح انقلاب زن زندگی آزادی که نمونه‌ی بزرگش را در شخص وریشه مرادی، پخسان عزیزی، زینب جلالیان، گلرخ ایرایی، سپیده قلیان، شریفه محمدی، نرگس محمدی و صدها زن زندانی دیگر میشود دید، با روح مقاومت آن پیشاهنگان به پیشواز ۸ مارس امسال برویم و خیابان‌ها را با روح انقلاب زن زندگی آزادی آراسته کنیم. دینامیک انسان و جامعه آزادی زنان جوان هستند و آنانند که هر روز ۸ مارس را ادامه و بزرگتر میکنند و انقلاب زن زندگی آزادی را به پیروزی می‌رسانند. مبارزه را با هدف پیروزی انقلاب و دیدار با رهبری و برای میسر کردن آزادی جامعه به پیش ببرند. بر همین اساس ما نیز ۸ مارس همه‌ی زنان جوان را تبریک می‌گوییم.





نام و نام خاناؤادگى: الھام ساعدموچشى

كە: وييان ھەلو

مکان و تاریخ تولد: ۱۳۷۰/۷/۱ کامیاران

مکان و تاریخ شهادت: ۲/۲/۱۴۰۲ قندىل

انقلاب ما، انقلاب آفریدن عشق است

ارتقای زن انتقام از برده‌گی است

عشق جستجوی آزادی است

برای گشودن راه دوستی بایستی زن آزاد را بیافرینید

رهبر آپو

پاییستی زندگی پر هیئت

ایدئولوژی زن گسترش پاپد

امروز در مصلحت زن سخن میگوییم، اگر این ایدئولوژی صورت گیرد چه گونه خواهد شد؟ اگر کوردستان به موضوع بحث تبدیل شود و یا اگر میگوییم زندگی کردن در سرزمین مادری زیبا ترین ها خواهد بود، پیش از هر چیز، ایدئولوژی زن بدون میهن ممکن نیست. حتی مهیا کردن خاک برای کشاورزی و محصول دهی، تا حدودی با هنر زن ارتباط دارد، یعنی اولین مبدأ ایدئولوژی زن، زیستن در سرزمین هایی است که در آن زاده شده، یعنی اولین مبدأ به عبارت عامیانه، میهن دوستی است.



دومین خصوص، اگر در زندگی جای خواهد گرفت، بایستی با فکر و اراده آزاد مشارکت نماید. اگر این ایدئولوژی تحقق پیدا کند، روشن ترین جلوه آن، این است که زن آن گونه که دوست دارد زندگی کرده و تصمیم بگیرد. به فکر او اطمینان خواهیم داشت و نسبت به اراده او محترم خواهیم بود. یکی از مبادی اجتناب نا پذیر ایدئولوژی نیز همین است. این، حتی اگر من هم باشم، زن خواهد گفت که [من با اراده و فکرم با تو زندگی خواهم کرد]. همراه با این، باید بسیار اصولی و با طرح و برنامه باشد. در این مبدأ جایی برای این که من زن را با بعضی از امتیازهایم فریب بدhem و یا او نیز با زنانگی و جنسیتش مرا فریب دهد وجود ندارد.



جهت میسر نمودن این و اشتراک حیاتی متکی بر آزادی، سازماندهی لازم است. این نیز مبدأ سومی میباشد. انسانی بدون سازمان یک هیچ است. اولین سازمان دهی با زن آغاز گشته. نیرویی که لازم است بیشتر از هر نیروی دیگری سازمان دهی را مبنا قرار دهد زن میباشد. شاید امکان داشته باشد مرد بی سازمان باشد، و یا اساساً مرد، سازمان های بسیاری دارد. بایستی زن سازمان ویژه خویش را یعنی یاژک را عمومیت بخشیده و عوایض را در تمام عرصه های اجتماعی اشاعه دهد، زن سازمانی گردد. اصلاً این را آویزه گوشتان کنید.



به عنوان مبدأً چهارم نیز بایستی همراه با سازمان یافتنگی، تمام زندگیتان را عبارت از مبارزه بدانید. زیرا هویت زن به دلیل عدم مبارزه مابین چهار دیوار نگه داشته شده است، کار خانه داری به او داده شده است، با کارهای کم ارزش سرگرم شده است، یعنی شخصیت کارهای بیهوده را به او تحمیل کرده اند. به همین سبب، در اتباط با مبانی ایدئولوژیکی و سیاسی، سازمانی، فرهنگی و به طور خلاصه در رابطه با هر عرصه ای که بتواند خود را در آن نیرومند سازد، بایستی یک مبارز کامل گشته و بگوید که من [سازمان گرا خواهم شد، سروکارم با مبارزه کردن است].



به نظرم زندگی کردن با زن با زیبایی شناسی و زیبایی نیز رابطه دارد. این نیز مبدأ پنجم میباشد. چون سطح زشتی کنونی رابطه بسیار جالبی با فشار و استعمار دارد، بایستی هنر، فرهنگ و زیبایی شناسی زنی را که میخواهد زندگی کند نادیده نگرفت، از جسمش گرفته تا زیبایی فکرش، از سخنوری اش گرفته تا زلالی روحش، به یک نظریه و مبدأ زیباشناختی پایبند باشد. اگر بر مبنای این مبادی، که میتوان بیشتر هم روشن ساخته و به صورت ماده هایی طرح نمود، زندگی را برای خود فراهم نمایید، به نظرم به این معناست که بزرگ ترین اسلحه رهایی بخشی را به دست آورده اید. به مناسبت روز زن تاکیید میکنم اگر کسی ادعامند هستید، با این اسلحه هیچ مرد و نهادی وجودندارد که نتوان سر راه آورد شود. به نظرم ارزشمندترین چیز زندگی همین است. اگر به امروز پایبند بوده و

احترام قائلیم، میتوانیم بر اساس این مبادی و از طریق یاژگ که یک سازمان دهی زن بوده و گسترش بیشتری یافته، بزرگترین پاسخ را در قبال انسانیت، به جنگ پلید بدهیم.
به مناسبت امروز بار دیگر ابراز میدارم که در خدمت زنان آزادمان هستم، همچنین نخست به مادران و به ویژه تمام گریلاهای مبارز و دلاور زنان، سپس همه زنانمان که در حال مبارزه هستند محبت و احتراماتم را تقدیم میدارم.

رهبر آپو





زیبایی حقیقی

روکن نقده



زیبایی در سایه ذهنیت مرد سالار زشت گشته و تبدیل به گورستانی شده. چیزی را که با حیرت از آن تعریف می کنیم و می خواهیم داشته باشیم، خیال- رویا نیست، بلکه حیاتی آزاد و یکسان می باشد که با معیارهای اخلاقی و با عشق و محبت همراه است. می خواهیم زندگی کنیم، فقط برای اینکه این حیات قابل زیستن باشد و غرق در آن شویم، سعی می کنیم آن را با دستانی که کاملاً با فکر و روحی عاشقانه در ارتباط بسازیم؛ آن را همچون هیکل تراش بتراسیم و به آن شکل و شیوه ای که تمام انسانها را جلب خود نماید بدھیم. این نعمت را کسانی به ما بخشیدند، که توانستند هویت مقدس و الهگی به خود اختصاص دهند. ما که از بدی، خوبی و از تاریکی، روشنایی ساختیم، امروزه چرا با استعداد خود بیگانه گشته ایم؟ الهه ها چرا مدتی طولانیست که زنان را ترک کرده و ما را در دستان ظلمت ناعدالتی رها نموده اند! شاید آنها ما را ترک نکرده اند، بلکه ما هستیم از حقیقت وجودشان دوریم. برای رسیدن به این حقیقت لازم است انقلابی بپا کرد!! مبارزه برای هویت آزاد به بیداری در خواب عمیق و در بیداری چشمانه باز پنهان است. چشمانی که باز است، ولی در واقع به عمق بی خود بودن فرو رفته است. به همین

نکردن واقعیت است. به راحتی می توان گفت، زنی که به دست ذهنیت مردسالار شکل گرفته بشکل یکسان غرق در زشتی گشته و در چهره‌ی غیر طبیعی ساختگی زن، زیبایی باقی نمانده. شاید متخصص‌ترین دکترها آن‌ها را عمل زیبای چهره کرده باشد، اما همه دچار یک خسaran شده‌اند و هیچ تفاوتی از این لحاظ ندارند. اگر جواب ما بله باشد پس چیزی که ما را مجبور به این خودفریبی می‌کند چیست را باید درون زندان سر باز یا زندان عمومی از خود پرسیم.

آزادی و یکسانی، اخلاق و سیاست هویت زن است، اگر زن از آن دور است بدون وجود این واقعیت از زیبایی به دور است. ما هر چقدر بخواهیم فردی باشیم در همان حد هم اجتماعی هستیم. پس ما برای رسیدن به زیبایی باید به سوالهای چگونه باید چیست جواب دهیم، برای رسیدن به این جوابها هم ابتدا لازم است به دنبال جواب بگردیم. شاید ما را به بی‌نهایتها برساند، چه بهتر، آن وقت است که جایگاه تاریخی خود را به دست خواهیم آورد و برای محافظت از آن نیز زیبایی خود را تقسیم کنیم، تمام جامعه

دلیل باید به بررسی وجودمان بپردازیم و تحقیقاتی در مورد مبارزه زنانی که برای هویت آزاد قهرمانانه جنگیدند و می‌جنگند نگاهی بندازیم تا ببینیم، چگونه در میان تاریکی بی‌امان چرا غ روشنایی بودند. دقیقا داستان سه پروانه را باید تکرار و تکرار زیست تا به حقیقت دست یابیم. رهبر آپو زیبایی زن را چنین تعریف می‌کنند "زن اجتماعی می‌تواند زیبا باشد" ولی ما می‌بینیم که با این زندگی که بدتر از زندان است اجتماعی بودن غیر ممکن است. موقعی که ما زنها را به برده‌گی مطلق مجبور ساختن، تمام زیبایها یمان نیز از بین رفتند. جامعه زندانی سرگشوده و هر ثانیه شکنجه روحی و روانی، ما را خورد و نابود نمود. چیزی که بسیار دردناک است درون این وحشت، زنی باشیم که دنبال زیبایی چهره و تمام بدن گشته و برای آن دست به هر کاری می‌زنیم. آیا پشت این چهره گریه و زاربی، بی چاره گی و بدبخشی، برای یک لحظه نفس کشیدن به چنین کاری برخواستن، حقیقت ما نیست؟! زن شهری زیباتر از زن روستاوی نیست، زن باسواد هم زیباتر از زن بی‌سواد نیست. چیزی که می‌توان به آن حقیقت گفت پنهان

بردن اخلاق و معیار جامعه بشر است. به ویژه آیا زن و مرد یکسان هستند؟ اگر به تمام اینها می‌گوییم راست است پس باید چکار کنیم؟ چگونه و از کدام راه به زیبایی دست پیدا کنیم؟ داخل آتشی هستیم که ما را می‌سوزاند و خاکستر ما را هم به باد می‌دهد، ولی بی تفاوت از کنار آن می‌گذریم و بی آن که از آن آگاه باشیم تحت تاثیر ذهنیتی که موجودیتمان



را به آتش کشیده دست به عمل زیبایی زده و زیبایی ذاتی خود را انکار می‌کنیم. ذهنیت مردسالار به گونه‌ی با ظرافت اراده مارا به تسلیمیت کشانده که زن بی آن که متوجه باشد از مدل لباسی که انتخاب می‌کند تا طرز حرف زدن و شیوه راه رفتنش هم دیگر تحت اراده خودش نیست و توسط این ذهنیت سیاه شکل داده شده، همه این‌ها برای این است که

را تبدیل به نیروی دموکراتیک نماییم. هر گونه تخریبات اجتماعی ضربه‌ای بر وجود زن است، هر قتل به بهانه ناموس به معنای فراوان شدن آتش اقتدار نظام مردسالاری است. برای از بین بردن این وحشت ما زنان به ویژه زنان جوان باید زیر آوارهای این نظام بیرون بیاییم. وقتی که از زیر این خرابه کاملاً بیرون بیاییم آن وقت دیگر از نظام حاکم اثری نخواهی ماند، چون سیستم مردسالاری بر وجود بردگی زن بناسده است.

علم اخلاق و زیباشناسی در حیات زن بابت اتیک و استیک، (اتیک به معنای علم اخلاق است، استاتیک نیز به معنای علم زیبایی می‌باشد، یعنی زیبایی شناسی)، شاید در باورهای اجتماعی متفاوت باشد. ما اینجا می‌توانیم به سوالهای در مورد زندگی ادامه دهیم، حیات خوب و زیبا را چگونه می‌توان زیست؟ معیار زندگی خوب و زیبا برای شخص و جامعه چیست؟ خوب بودن چیست؟ زیبا بودن چیست؟ وقتی که به نا عدالتی‌ها و جنگها می‌نگریم می‌بینیم که بیش از حد قتلعام، بدون مرز دزدی و استعمار و استثمار و غارت، تجاوز و غنیمت، همه برای از بین

بدانیم که بخاطر نبود یکسانی میان مرد و زن می باشد، به همین دلیل آن را هر چه زودتر درست کنیم. درست است که ما به جایی رسیده ایم که در برابر این ناعدالتی مبارزه می کنیم، فقط هنوز هم تهدیدات نظام هژمونگرا بر وجود خود اصرار میکند تا دوباره جان تازه بگیرد و با سرمایداری و بی اخلاقی وجود زن و مرد را با گسترش ذهنیتش در تمام جامعه از بین ببرد. رهبر آپو به سده ۲۱ اشاره نمود و گفتند: "این سده یکسانی میان زن و مرد است" ما میدانیم که با مبارزه زن این واقعیت اتفاق خواهد افتاد. چون جنبش آزادی زنان از سده ۱۹ تا حال به شدت در برابر نظام پنج هزار ساله مرد حاکم می جنگد. این نبرد در کوردستان با فکر و فلسفه رهبر آپو، زنان کورد را به پیشه‌نگ تبدیل کرد و به همین دلیل هم این نبرد به اوج موفقیت خود رسیده است. دیگر نباید هیچ زن جوانی قربانی این سیستم شود و مجبور به انتخاب زندگی بردگی باشد. دو شیوه زندگی متفاوت جلوی زن گذاشته شده؛ یک زندگی سیاه از طریق تله های متفاوت همانند مثال مواد مخدر، مشروبات الکلی و بردگی جنسی است. طرف دوم، مثلا

ما سرخم کرده مطیع شویم. باید بپرسیم این لباس و طرح آن را چه کسی تعین میکند؟ فرم بینی و لبها را کی مشخص میکند یا بر اساس چه معیاری مشخص میکند؟ کدام قانون توانایی تصمیم گیری آن را دارد که به عنوان زن و مادر چند بچه به دنیا بیاورم؟ چرا باید بی نهایت از تو اطاعت کنم؟ چرا باید بدون اجازه من به من دست بزنی، کی بہت اجازه داده؟ در جواب از قانون خدا میگویند. می دانیم که این خدا مجازاتش در حق ما و قانونهایی که درست کرده برای حفاظت از خود ساخته است. اگر به خواسته هایش عمل نکنی تو را با جرم ضد خدا بودن مجازات خواهند کرد. اگر ما به آزادی ایمان داشته باشیم از هیچ گونه تهدیدی نخواهیم ترسید، با جسارت بردگی را رد کنیم، اراده‌ی دزدیده شده‌مان را بازگردانیم، رهبر آپو در این مورد گفتند "شما باید بگویید من متعلق به خودم هستم". اگر در سن کودکی ازدواج می کنیم، اگر هیچ کس از ما درمورد طرز زندگی که میخواهم نمیرسد، پس باید انقلابی درست کرد که فکرها را تغییر دهد. اگر زیست محیط با دستان خونین ذهنیت مردانلاری تخریب می شود، ما زنها

گل چگونه با خارهایش از خود دفاع می کند، یعنی زیبایی گل با خوارهایش ممکن است. زن هم اگر متعلق به خود نباشد، زیبا نیست و بردۀ دیگران می باشد، زنی که با نیروی ذاتی خود و اراده دفاع از این نیرو را دارا نباشد، آن وقت فارغ از هر گونه اخلاق و زیباییست. زنان جوان در روز جهانی زن لازم است سوگند هر روز را روز مبارزه و مقاومت در برابر نظام مردسالاری نمایند یاد کنند. چون آن زنانی که با جانشان میراث مقاومت زن را بر جای گذاشتند، به زنان جوان امروز تکیه کرده و امید ادامه دادن و به موفقیت رساند آن را داشتند. همه ماباید با مبارزه و مقاومتی که اتحاد زنان جوان را بسازد تلاش کنیم تا با تمام زنان جهان متحد شویم، این نیروی زیبایی زن است.

زن جوان با سازماندهی و نیروی دفاع ذاتی می تواند زیبا باشد

قانونی می باشد، که ازدواج، سیغه و جذابترینش هم عشق و عاشقی است که بدتر از تمام گزینه های دیگر است. حق هویت، حرف زدن، انتخاب، تصمیم گرفتن و داشتن شخصیتی سیاسی و... را نداریم، با دستور مرد گام برミداریم این مرد یا پدر، برادر، دایی، عمو، همسر و... است یا تمام مردھای دولتی. مجبور نیستیم به این دروغها تن دهیم. سده ۲۱ تنها با رد نمودن این سیستم به موفقیت خواهد رسید، جز این به خودفریبی ادامه داده و حق حیات آزاد را از دست میدهیم. زن جوان با سازماندهی و نیروی دفاع ذاتی می تواند زیبا باشد زن جوان برای حفاظت از اندیشه آزاد به سازماندهی نیاز دارد، برای حفظ سازماندهی نیز به نیروی دفاع مشروع و ذاتی نیاز هست. اگر از هر لحظه دارای تشكّلات و مکانیزمهای مخصوص به خود باشد، آنگاه در امان است، ولی اگر کوچکترین دریچه ای باز بگذارد و نظام حاکم و سیستم سرمایداری بر تصمیمات و اراده آن تاثیر گذار باشد، آن وقت از خود بودن دور گشته و نابود خواهد شد. رهبر آپو برای اتیک و استاتیک گفت تئوری گل،



رفاقت پاک

ویان هلهلو



اراده، فکر، باور، موجودیت، انسانیت، احساسات و در واقع بودنمان را به عنوان زن انکار کرده‌اند و می‌کنند. هر بار به نوعی به مانند انگلی هویتمان را به بیماری لاعلاج مبتلاکرده‌اند. زنی که به درازای تاریخ با حملات ذهنیت مرد سالار رو به رو شده، که یکبار ناموس بود و یکبار متای جنسی و کالای قدرتمنداران، نقشه‌ها برای نابودی اش و در شخص زن نابودی جامعه کشیده بودند. از هرگونه ابزار و راهکاری برای به کنترل گرفتن زن دریغ نکردند، از لباس تن تا فکر و احساسات زن را به سلیقه خود تنظیم کردند و با حیله‌گری این گونه نشان میدهند که گویی این زندگی ارزان از آن ما و خواست ماست. زن را از مبارزه محروم کردند، حق مشارکت در سیاست و اداره جامعه را از وی گرفتند یا درست تر آن که بگوییم دزدیدند، جایگاه زن را به چهارچوب خانه و خانواده محروم و ملک پدر و برادر و همسر و ... کردند، یا این که قدرتمنداران و سرمایه داران در راه منفعت خود زن را از خانه بیرون آورد و این بار سطح سواستفاده خود را از زن گسترش داد. از

شخص زن بار دیگر زنده کرد. زمانی که هر قدرتی زن را در پشت خود قرار میداد، رهبر آپو دست خود را در دست زن گذاشت و با یک اراده، شانه به شانه در کنار هم یک دل و یک روح روبه آزادی و مبارزه گام برداشت. در جهانی که کسی اراده، موجودیت و توان زن را باور نمیکرد، رهبر آپو به زن ایمان آورد و او را همراه وا همز زم راهش انتخاب کرد. فکرش را راهش را، دنیایی که آفریده بود را به زن پیشکش کرد و ایمان آورد که آن کس که آزادی را محافظظ باشد، آن کس که این حیات را زیبایی بخشد زن است. رهبر آپو به مانند حرکت ها جنبش های پیشین یا حرکت های سوسیالیست دیگر آزادی زن را موضوع فرعی تلقی نکرد بلکه با تحلیل درست تاریخ و حرکت های سوسیالیست که با شکست مواجه شدند، مسئله آزادی زن را به عنوان معطل بنیادیین جامعه تعریف کرد و در این راه تا به امروز برای اثبات این موضوع و رساندن آن به پیروزی به مبارزات خود در سخت ترین شرایط موجود ادامه میدهد.

جسم و هوش زن برای درامدزایی خود استفاده کرد. آزادی ساخته را به او فروختند در ازایه این آزادی ساخته، جسم و روح و فکر زن را هر روز هر لحظه هر ثانیه از زندگی اش را در خدمت منافع خود به کار گرفتند. مختصر آن که با زن آزادی انسانیت را به اسارت کشیدند. اما در این طوفان سخت، مادر خداوندگاری فرزندی از جنس نور متولد کرد له رسالتش بازگرداندن آزادی بود. آن فرزند خداوندگاران، رهبر خلق ها، رهبر آپو است. کسی که از کودکی عصیان آزادی سر داد. او حقیقت را انتخاب کرد، پاکی و راستی را انتخاب کرد و به آن ایمان آورد و برای رسیدن به آن مبارزه کرد. زمانی که هر ذهنیتی، هرجیریانی و هر قدرتی زن را به خدمت گرفته بود، رهبر آپو حقیقت و جوهر مادر خداوندگاران را بار دیگر به سطح پرستش رساند و به بزرگترین زحمتکش در راه آزادی زن مبدل گشت و زندگی خود را در راه آزادی زن خلق فدا کرد. زمانی که هر کس با شرافت هویت زن تجارت و سیاست میکرد، رهبر آپو آزادی و حیات را در

رهبر آپو اراده‌ای را به زن بازگرداند که زن در سنگر مبارزه به مبارزی بی‌همتا، در صحنه سیاست به سیاست مداری قدر، در فلسفه به فیلسوفی دانا، در هنر به هنرمندی زیبا و به کلی به رهبر و پیشاهنگ زندگی مبدل گردد. راه پیشرفت و آزادی از هر لحظه در زندگی برای زن هموار کرد. زن را در هر عرصه زندگی مشارکت داد و درواقع میدان مبارزه را به اراده زن واگذار کرد. زیرا رهبر آپو جوهر حقیقی زن را یافته بود، رهبر آپو در آغاز مبارزاتش متوجه شد که اگر جایگاه زن به زن بازگردانده نشود مبارزه برای آزادی معنایی ندارد این آزادی زن است که آزادی جامعه را ممکن می‌گرداند. از همین روی هم سازماندهی زنان را اساس و مبدأ قرار داد. در نتیجه مبارزات بی‌امان زن سازماندهی شده و ارتش زنان تشکیل شد. رهبر آپو سیاست

رهبر آپو به مانند ذهنیت‌های مردسالار باچشمی منفعت طلبانه به زن نگاه نکرد، رهبر آپو در این باب می‌گویند: (من مردانگی خود را رها کردم). به این معنا که رهبر آپو ذهنیت مردسالار که قدرت و نیروی خود را به جامعه و به خصوص زن تحمیل و حاکم می‌کند، قبول نکرد. ذهنیتی که زن را تنها به چشم یک ابژه جنسی نگاه می‌کند را برای خود لایق نمیدید و در برابر این ذهنیت قد علم کرده و خود را به درجه انسانیت رسانید. برای همین هم بود که رهبری توانست به بهترین و پاکترین رفیق و همراه زن تبدیل شود. با صداقت تمام تلاش کرد در شخص رفایی به مانند رفیق سارا (سکینه جانسز) زن را به درستی تحلیل کرده و از این طریق راهی را برای آزادی زن بیافریند. در نتیجه این تلاش هاست که امروزه ایدئولوژی آزادی زن آفریده شد و خط زن آزاد و مبارز، در کورستان برای تمام جهان به نمونه‌ای تاریخی تبدیل شد. زنی که به حالت بردگی کشانده شده بود به زنی دارای ارتش و نیروی مبارزه و سطح سازمانی و حزبی پیشرفت پیدا کرد.

رهبری توانست

به بهترین و پاکترین

رفیق و همراه زن تبدیل شود

ورزید. تمام این تلاش ها و فکری که رهبر آپو آن ها را برای برگرداندن دوران خداوندگاران آفرید، به مانند طوفان کاخ و قصر قدر تمداران و تمام سیستم های مردسالار که موجودیت خود را با به برگی کشیدن زن اثبات میکردند ویران کرد. زنان کورد و زنان بسیاری از سراسر جهان این فدایکاری، صداقت، راستی که رهبر آپو بر آن اصرار می‌ورزد را دیدند. همان گونه که رهبر آپو به حقیقت زن باور آورد زن نیز بود و نبود خود را در فکر و فلسفه رهبر آپو دید. وقتی که زنان به هرجانگاه کردند و دیدند همه حیله و برگی است، در هر جایی شکارچیان برایشان کمین گذاشته اند و اراده و شخصیتشان به برگی گرفته میشود و در عین حال در برابر شفک و فلسفه رهبری قرار دارد که زن را به مقام خداوندگاری بازگردانده است، با تمام جسارت اراده‌یشان را به رهبر آپو یکی کرده و شانه به شانه رهبری تا به امروز در کوهستان ها و شهرها و هرجایی که دشمن در آن باشد به مبارزات خود در برابر تمام سیستم های قدرتمدار دنیا ادامه میدهنند.

ذهنیت مردسالار که با القای فکر های واپسگرا اجازه نمیداد دو زن در کنار یکدیگر قرار گیرند و مدام میان زنان تحم نفاق و تفرقه کاشه است را در هم شکست و تماماً بر عکس آن همبستگی میان زنان را ایجاد کرد. ذهنیتی را که میگفت: (عقل زن ناتمام است پس نمیتواند خودش خودش را مدیریت کند، همیشه نیازمند یک مرد است) را نابود کرد، با اهمیت دادن به استقلال زن و خودرهبری زن، زنان را از هر گونه حاکمیت ذهنیت مرد قدر تمدار بی نیاز کرد. رهبر آپو اراده و جسارت و روح آزادی خواه زن را باور کرد و در انجام این باوری زنان آپویی در هر عرصه‌ای موجودیت خود را به عنوان یک انقلابی که هدفش پیروزی است نشان دادند. چه در مبارزه مسلحane چه در عرصه های سیاسی و نشان داده شد تنها چیزی که زن نیازمند آن است برای پیروزی سازماندهی و همبستگی میان زنان است.

به همین دلیل هم رهبر آپو یکی از پنج اصل ایدئولوژی آزادی زن را سازماندهی قرار داد و بر آن اصرار

زنان جوان کوردستان در طول تاریخ مبارزات ۵۴ ساله حرکت آپویی راه آزادی خود را دیده و در این راه برای آزادی تمام زنان جهان مبارزه میکنند و این گونه به عنوان زنان جوان آزادیخواه تلاش میکنیم که لایق رفاقت پاک رهبر فداکارمان رهبر خلق ها، رهبر آپو باشیم. پس بار دیگر سوگندمان را برای زیستن حیاتی آزاد در کنار رهبرمان و عملی کردن آزادی فیزیکی رهبر آپو دوباره میکنیم.

نمونه زنانی که تا آخرین قطره خون خود در راه آزادی و با فکر و فلسفه رهبر آپو مبارزه کردند بیشمار است، زنانی که مهر باطل را بر تمام ذهنیت های واپسگرانهی مردسالار زدند و خط زن آزاد را آفریدند. زنانی به مانند رفیق سارا (سکینه جانسز) خداوندگار مبارزه به مانند شهید زیلان خداوندگار عشق و امید، شهید بریتان، شهید ویان و هزاران زن مبارز دیگر و تمامی زنانی که اکنون در کوهستان های آزاد کوردستان راه سارا ها و زیلان ها را ادامه میدهند همه و همه ملتیان های آپویی هستند که سوگند خورده‌اند به رفاقتی پاک و با جسارت با رهبر آپو، سوگند خورده اند که همان طور که رهبری گفتند اگر یک زن نیز باقی بماند کوهستان ها و سنگر مبارزه خالی نمیماند، شاید حملات دشمن بی امان سخت باشد اما اراده و خواست آزادی زنان آپویی از هر چیز نیرومند تر است، ما نیروی مبارزه را از مبارز بزرگ آزادی رهبر آپو میگیریم. مقاومت ۲۶ ساله رهبری در زندان امرالی به خودی خود برای ما منبع نیرو بخش بی پایانی برای ادامه دادن تارسیدن به پیروزی است.



کورد پری چهره

برای کورد پری چهره مینویسیم

من شکوفه ارغوانی نوشکفته‌ی کوردستانم که میگویند:

بانیلیک‌های باران بهاری و سمای قطره‌های حقیقت بیدار گشته.

شکوفه‌ی نوشکفته‌ی ارغوانی در اعماق صحرای دور از کورد پری چهره

به خواب رفته بود.

میگویند، سیلاپ بهاری، شکوفه‌را از خواب زمستانی بیدار کرده است.

میگویند، تنها باران درد شکوفه را خوانده است.

میگویند، باران خواب‌های شکوفه‌را تعبیر کرده است.

میدانم باران رحمت را بر چهره‌ی خاک گرفته‌ی غنچه باراندی.

غنچه‌ی از یاد رفته‌ی ارغوانی را بال پرواز با شاپرک‌های شادی دادی.

سیلاپ مهربانیت، برکت داد بر صحرای خشکیده‌ی دل شکوفه‌ی نو

شکفته.

شکوفه با امدنت به طلوع ایمان آورد.

تشعشعات حقیقت کورد پری چهره، بت‌های تاریکی دل غنچه‌ی ارغوانی

را درهم شکست.

عشق، بادبان‌های آزادی کشته دوستی را برافراشت و سوار بر امواج

سیلاپ رحمتش طوفان شد بر آتش وجود خدایان بی‌نقاب و نقابدار.

عشق آمد و در دل غنچه‌ی ارغوانی خانه کرد.

عشق آن کورد پری چهره بود که تاریخ سوخته چشم انتظار باران

رحمتش بود.

کورد پری چهره، حقیقت سر بلند بر فراز قله‌های آزادی،

قلبم برای تو خانه‌ی حقیقت و روح فدایی عظمت راهت باشد.

بیستون سینه

زن و هنر

تاریخچه تنبور به ۶۰۰ تا ۸۰۰ سال میرسد، در منابع مختلف به دوره‌های گوناگونی نسبت داده شده اما بی‌گمان تنبور از جمله آلات موسیقی کهن که میتوان از اولین آلات کهن موسیقی از آن نامبرد است. سازی کوردی که در نواحی کرماشان و پیروان آیین یارسان، خراسان، شمال کوردستان و علویان درسیم بیشترین رواج را دارد. کهن ترین نوع این ساز را میتوان تنبور خراسانی با نام دوتار خراسانی نامید.

این ساز کوردی که متعلق به کوردستان است در آیین‌های یارسان و علوی مقدس خوانده شده و در مراسم آیینی به کار گرفته میشود. مردمان پیرو این آیین از کودکی این ساز را آموخته و موسیقی و هنر به مانند وظیفه‌ای انسانی و معنوی و قسمتی حیاتی از زندگی تعریف میشود.

تبور سازی است که زنان زیادی چه از آیین یارسان و



چه از آیین علوی این ساز را آموخته و از راه هنر خود در جامعه سازماندهی را ایجاد کرده‌اند. نوازندگان و شاعران زن بزرگی در تاریخ این ادیان وجود دارند. که از آنان میتوان به عنوان محافظان و گسترش دهنده‌گان این ادیان نام برد. ارتباط زن با هنر پیوندیست ذاتی و جوهری که در اعماق وجود زن همیشه وجود داشته و خواهد داشت. علیرغم تمام ترورهای ذهنیتی که ذهنیت مرد سالار به درازای هزاران سال تلاش کرده بر هویت زن تحمیل کند اما امروزه پس از صدها

سال هنوز هم زنان و زنان جوان یارسان ادامه دهنده راه، هنر و ارزش های مادرخداوندگار رمزبار و هستند و با آموختن تنبور از کودکی این هنر ذاتی معنوی را به مانند میراثی گرانبها و مقدس از مادربزرگانشان محافظت کرده و هنوز از این راه زنان یارسان و علوی تلاش میکنند روح متحد و سازماندهی شده زن را محافظت کنند. تاریخچه دف و سازهای ضربی در خاورمیانه دارای تاریخچه‌ای کهن است. به تمامی شکل چهارگوش آن در تمدن ایلام در قرنهای هفتم و هشتم قبل از میلاد به کار می‌رفته است. دف چهارگوش هنوز در برخی کشورهای عربی مورد استفاده فرار می‌گیرد. دف گرد(دایره شکل) در مصر سال ۱۳۰۰ پیش از میلاد دیده می‌شود. در ایران نمونه‌های بسیاری از دف و دایره در مینیاتورهای دوره‌ی گورکانیان و صفویان مشاهده می‌شود. در نقاشی‌های دوران صفوی اغلب دف به همراه نی در مجلس سماع دیده می‌شود و در اشعار شعرای کهن نیز اغلب این دو با یکدیگر می‌آیند.

در دوران پیش از اسلام دف در موسیقی کوردی حضوری پر رنگ داشته به طوری که رد پای ریتم‌های آن هنوز در موسیقی کردی وجود دارد، اما با ورود اسلام این ساز جهت بقای خود در خانقاها و تکایای کوردستان بست نشست و برای بیش از ۱۳ قرن در خانقاها کوردستان همدم دراویش کوردستان شد و با ذکر و سماء آنها آمیخته شد بطوریکه ذکرها در هر مقامی با ریتم خاص خود در دف همراه هستند و بعبارتی هر ذکری مقام خود را دارد که مقام‌های دف نام دارند. مقام‌های دف در طرایق کسنزانی و قادری و دیگر طرایق از ۷ تا ۱۰ مقام اصلی هستند. این بست نشینی دف تا سال ۱۳۵۳ ادامه داشت تا این که با تلاش هنرمندان دوباره به حیات هنری خود بازگشت. از آنجایی که اسلام مسبب کناره گیری این ساز از هنر شد قابل پیش بینی است که زن نیز از نوازنگی این ساز محروم شد، علارغم این که بر اساس نقش‌های به جا مانده از از زمان پیش از اسلام زنانی نشان داده شده که این ساز را مینوازنند اما با فکر فئودالیسم دینگرازن رانه تنها از نوازندن دف بلکه از تمام عرصه های هنری محروم کردند. کشوری به فراخور حال و هوای موسیقی خود، از سازهای ضربی استفاده می‌کنند. کاربرد دف به ویژه در خاورمیانه از سایر

جاهای بیشتر است. در کشورهای عربی همچون عربستان و عمان و کشورهای دیگری چون ترکیه، عراق و آذربایجان از جمله جاهاییست که دف رواج دارد. پس از آنکه تمبک مجلسی شد به تدریج جای دف را گرفت. در شهرهای سنه و آزربايجان بسيار متداول بود و نوازندگان ماهری ظهرور کردند. دراستان سنه و کرماشان دفنوازی در میان مردم جایگاه خاصی دارد که به دلیل وجود آیینهای عرفانی در این نواحی است.

پیروان طریقت قادریه و آیین یارسان از گروههایی هستند که از این ساز در مراسم‌های عرفانی خود استفاده می‌کنند. به همین خاطر، بسیاری از مردم کورdestan آشنایی مقدماتی با دف دارند و زنان کوردهم واپسگرایی های کهن و ذهنیت فئودالیسم را از بین برده و این ساز را بار دیگر با حس های هنری زنانه آراسته کردند.



”نیلوفر- لوتوس“

نام این گل در منطقه نیلوپر به معنای گلی با پرهای نیلی رنگ بوده است. با حمله مسلمانان به ایران و تأثیر زبان عربی به پارسی، این نام معرف شده و به شکل کنونی نیلوفر درآمده است. نام دیگر آن نیز لوتوس است.

در شرق کوردستان و ایران نیلوفر، نماد ایزدبانو آناهیتا بوده است. در برخی روایت‌های اسطوره‌ای، میتراء در میان گل نیلوفر زاده می‌شود همچنین یک گونه از این گل که نیلوفر آبی مقدس نامیده می‌شود نماد شهر کرمانشاه و رنگ آن گل نیز رنگ نمادین این شهر است. این گل در سرآب نیلوفر در نزدیکی شهر کرمانشاه می‌روید و به عنوان نمادی از آیین مهر در نقوش طاق بستان نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

نیلوفر آبی از گونه‌های گیاهی مهم تالاب ارزی است. در اساطیر یونان، ایزدبانو آفروزیت و در اسطوره‌های هند، ایزدبانو لاکشمی با این گل پیوند دارند. در مصر باستان از نیلوفر آبی مقدس برای آذین کردن بسیاری از نقشونگارهای باقی‌مانده بر پاپیروس‌ها و زیورآلات استفاده می‌شده و حتی بر تاج‌گلهای مقبره توت عنخ آمون هم دیده می‌شود. این گل در آن دوران همچنین نماد باروری بوده است. نیلوفر آبی در آیین هندو نشان «زندگی و زایندگی» و طبق باور آیین بودایی نشان «پاکی و تقدس» است، بر پایه آموزه‌های هندوئیسم در درون هر انسانی روح مقدس نیلوفر آبی جاری است.



"بابونه"

بابونه گیاهی است دائمی و کوچک، دارای بویی معطر که در چمن زارها و زمین‌های شنی می‌روید.

کاپیتول های این گیاه دارای اسانس هستند. این اسانس در حالت تازه دارای رنگ آبی تیره است که مربوط به وجود ماده‌ای به نام آزولن می‌باشد و تدریجیاً با تأثیر هوا و نور رنگ آن سبز و قهوه‌ای می‌شود.

استفاده از بابونه در زیبایی به اندازه قدمت به کارگیری آن در عطاریها سابقه دارد. خواص آن به خصوص برای پوستهای شکننده و حساس در مقابل تغییرات جوی مفید است. دم کرده ساده بابونه در استعمال خارجی روی پوست صورت برای حفاظت از پوست بهترین تأثیرها را دارد.

بابونه از گیاهان بومی منطقه مدیترانه بوده ولی منشأ آن را در آسیای صغیر گزارش کرده‌اند. این گیاه در اکثر جاها دیده و به خوبی میتواند گونه‌های متفاوت خود را با شرایط جوی گونا گون هماهنگ سازد.



”گل گاوزبان“

گل گاوزبان دارای تأثیرات مختلف دارویی و درمانی است. این گیاه، ضد التهاب، ضد میکروب، ضد درد و حاوی ترکیبات آنتی اکسیدان است و به طور ویژه برای درمان و بهبود سرماخوردگی و به عنوان یک داروی ضد التهاب و آرام بخش مورد استفاده قرار می‌گیرد. عصاره این گیاه، اثر محافظتی در برابر اختلالات ناشی از مصر فهیوسین نشان می‌دهد. مهم‌ترین آنتوسبیانین موجود در این گیاه، سیانیدین^۳--گلوکوزید است که دارای اثرات محافظتی در برابر آسیب‌های مغز و آپویتوز ناشی از ایسکمی است. این گیاه، در درمان بیماران مبتلا به افسردگی خفیف تا متوسط و همچنین اختلال وسواس فکری و اجباری و اختلال اضطراب فرآگیر، موثر است. این گیاه در شرق کوردستان به فراوانی یافت می‌شود.



زنان مبارز

این جنگ‌ها نهایتاً به شکست عشایر انجامید، دلاوری‌های قدم خیر و پیشاهنگی اش و نپذیرفتن تسلیمیت از او در میان مردم لر و تاریخ زنان چهره‌ای محبوب و افسانه‌ای ساخته است. فریا استارک از سیاحان خارجی‌ای که به لرستان سفر کرده و نویسنده کتاب سفرنامه لرستان و ایلام و الموت در مورد قدم خیر می‌نویسد: «دانستان قدم خیر یعنی زنی که پنج سال قبل با دولت جنگیده بود را برایم بازگفت و روایت می‌کرد که قدم خیر زنی زیبا بوده است که با پسرعموی خود ازدواج کرده بود، زن و شوهر عادت داشته‌اند که با هم به جنگ دشمنان بروند. قدم خیر مانند مردان ایل سوار بر اسب تیراندازی می‌کرد».



قدم خیر قلاوند

متولد ۱۲۷۸، دختر کیخاونی از طایفه قلاوند ایل بالاگریوه در بخش الوار اندیمشک و از زنان مبارز اواخر قاجار و ابتدای ابتدای حکومت پهلوی در زمان رضاخان بود. پدرش کیخا قائی (کدخدادنی) ریاست طایفه قلاوند را به عهده داشت و مادرش جواهر همسر اول کدخدادنی بود. بواسطه زندگی در خانواده بزرگ طایفه، دانش مردمداری و نیز مهارت‌های سوارکاری و تیر و تفنگ را با شایستگی فراگرفت. تنها فرزند او پسری به نام محمدخان از شوهرش صفقلی قلاوند بود، شوهر وی صفقلی قلاوند در نبرد با ارتش ایران کشته شد.

قدم خیر به زنی دلاور، رشید و جنگاور در تاریخ شناخته می‌شود. در هنگام هجوم نیروهای رضاخان برای سرکوب عشایر به سبب شخصیت پیشاهنگ و روحیه مبارزش و مهارت‌ش در جنگ به نومه‌ای مبل می‌گردد. این نبردها به کشته شدن شوهرش صفقلی خان و دو برادرش انجامید و اگرچه

سکینه جانسز

۱۰ سال مقاومت رفیق سارا، زانوی دشمن را به لرزه درآور و اراده وی برای آزادی، دشمن را شکست داد. سکینه جانسز از جمله زنان پیشاہنگی است که بنیادهای ارتش و حزب زنان را پایه گذاری کرد و در تمام دوران مبارزاتش برای سازماندهی زنان و ایجاد همبستگی میان زنان، بیامان تلاش کرد. مبارزه، شجاعت، دانایی و عشق رفیق سارا به انسانیت، آزادی و کوردستان، راه را برای انقلابی تاریخی هموار کرد که تا امروز ادامه پیدا کرده و ادامه پیدا خواهد کرد.

رفیق سارا (سکینه جانسز) زن مبارز که در سال ۱۹۵۸ در روستای تحتی خلیل از توابع درسیم در خانواده ای بازمانده از قتل عام کورد های درسیم متولد شد. رفیق سارا در سنین نوجوانی با حرکت های چپ ترک آشنا و کم کم رول خود را در فعالیت ها و حرکت های چپ و سوسیالیسم ایفا میکند، تا سال ۱۹۷۴ که با جوانان راه آزادی خلق کورد آشنا میشود، برای اولین بار شهید مظلوم دوغان را ملاقات کرده و در شخص وی تحت تاثیر فکر و یدئولوژی گروه آپویی قرار میگیرد و در سال های ۱۹۷۶ به عضویت گروه در می آید. در سال ۱۹۷۸ در کنگره تاسیس حزب کارگران کوردستان پ.ک.ک به عنوان اولین زن در تاریخ ایجاد این خلق جای میگیرد. رفیق سارا زندگی انقلابی خود را در حرکت آپویی یافت و به عنوان اولین زن در بنیاد نهادن حزب کارگران کوردستان در حرکت آپویی جای میگیرد. روحه مقاوم و شجاعت بی همپایی وی در سال ۱۹۸۲ در زندان آمد و به مدت



زینا داری زیانه

زینا داری زیانه پیشه‌ی له کورستانه
به‌هاری گسته گل‌لانه ورهی بحرزی جیهانه
وهرث وهرث سرمه‌لدانه رن و جهوانه له مهبدانه
رن زیانه ئازادی شهربانی مان و نهمانه
به گوشتن و سپنداره پانه‌وستین ئئم جاره
په‌ک گرتن ئاوا ده‌بئن چاوی نه بار گوپر ده‌بیت
وهرث وهرث سرمه‌لدانه رن و جهوانه له مهبدانه
رن زیانه ئازادی شهربانی مان و نهمانه
سرگاه‌وتنه بروامانه نسسه‌وتنه هیوامانه
زابه‌له‌ی ده‌نگی رنانه هیوای بیشه پورمانه
پامانی پیپر ئاین پوناکی پیپگامانه
پامانی پیپر ئاین پوناکی پیپگامانه
وهرث وهرث سرمه‌لدانه رن و جهوانه له مهبدانه
رن زیانه ئازادی شهربانی مان و نهمانه





رۆحانی سەرکەوتن

شەھید سارا (سەکینە جانسز)

گەيشتمە كۆتايى كاري نووسىيىتكى كە هو كارنى نووسىن و پىتووسىن، كات و هەلۇمەرجە كەى لە زۆر رۇوهەوە جىاواز بۇو. بىكۈمان ئەمە (كۆتايى) يەك نىيە كە خالىك لەبەرددەم بەسەرەراتە كاندا دابنېت، بەپىچەوانەوە هەولىمدا شەر و تىكۈشام لەسەر زەمینەي راستەقىنەي خۆى كۆبکەمەوە كە رووداواه كانى بەپىسى كاتە و دابش بۇوە بەسەر كاتى جىاجىادا، هەروەها ئەوەي دەستم پىسى بىگات بۇ گەياندىيان بە رۆژى ئەمەرۆمان جىيەجىيى بىكم و هەولىشىمدا ئەم ھىزە لەخۆمدا پەيدابكەم. چونكە ھەموو شىتىك لەسەر ئەم زەمینەيە لىكجا دەبىتەوە و دەبىتەوە و دەبىتەوە بە خۆى.

بەلى؛ ئەگەر ژيان برىتى بىت لە شەپ و تىكۈشان، لە مەمەيلە كانىيەوە پالفتە بىكىت و وەها بە پۇوخترىن واتاي خۆى دەگات، كەوابۇو شەپ و تىكۈشانىش بەردەۋام دەگات. (سەرۆك) كاتىك باسى لەم پەرتۇو كانەم كرد پىيگۇوتىم: "ئىدى دەتونى (رۆمانى سەرکەوتن) يىش بىنۇسىت". دەشىت دەرفەتى نووسىينى (رۆمانى سەرکەوتن)م نەبىت و دەستم نەكەويىت، بەلام لەشەپ و تىكۈشانىدا بەپىيارم لە گەيشتن بە شىۋازى سەرکەوتن. بەتايمەتىش كە دەبىنەم شەپەكانم رىنگەيان بۇ چۈن كارەساتىك كەردىتەوە و چۈن ھەست بەو ئىش و ئازارە گەورەي دەكەم، باشتىر تىدەگەم

راده‌ستی دووژمن، به سه‌ره‌هله‌لدیری و
 یاخیبوونه‌وه دریزه به شهره کم دهدم.
 بو ئه‌وهی راده‌ستی دووژمن نه‌بم،
 چاونه ترسانه‌ده‌جه‌نگم. به‌لام نه‌ک به‌هزار
 و ریکخراوه‌ییه کی تمواو که بزانیت
 به‌پیی چی، که‌ی و به‌کام ئامرازانه
 شه‌ر که ده که‌یت. لەم جه‌نگاوه‌رییه‌دا
 هه‌لومه‌رج و ساته‌وه‌ختی ریکخراوه‌بوون
 له‌گه‌ل ئه‌و شونانه‌ی هیزیان تیا خه‌رج
 ده‌کریت به باشی هه‌لنا بشیردریت.
 جه‌نگاوه‌رییک، به‌لام وه کو راستینه‌یه کی
 کراوه بو هه‌موو جۆره گورزیک. له
 دوابه‌ر گیشدا باس لەوه ده‌کم که
 شیوازی جه‌نگانم، رووبه‌رووی هۆکار و
 بنه‌ماکانی هه‌بوونی خۆمی کردوونه‌ته‌وه.
 له‌گه‌ل هه‌موو که‌سیکدا له دۆخى
 جه‌نگ دام. به‌ته‌واوى دۆخىکى
 سه‌ره‌هله‌دانه، بەر هەر يەکیک لەو گووته
 و رەفتارانه‌ی که سالانیکى دوور و دریز
 به‌بى لاكىدنه‌وه لو راستی هه‌نووکه‌یى،
 به‌گىرەی خۆم نیشانم دەدان هم
 هه‌ۋالانم و هم خۆشم تۇوشى زەحەمەتى
 ده‌کەردەوه... با ئه‌وهش بلیم، جىڭمەم
 به ته‌واوى رەفتار و پەيپەو كاریيە‌كانى
 دووژمن و سه‌ره‌جەم رووداوه‌كان نه‌دا.
 ئەمانه خۆى له خۆيدا باهه‌تى رۆمان
 و ويئە و ھونھەرن. دلىام رۆزىيک له
 رۆزان رۆمان‌نوسە شارەزا‌كان دەينوشن.
 هه‌ربوييە هه‌رگىز بانگشەی ئه‌وه ناکەم

کە پیویسته مسوّگەر به و شیوازه بگەم.
 له پەرتتووکە كانمدا پانۇرامايەکى زۆر
 گشتى و قەباى تىكۈشان و شەره کانم
 ھېلکىش كرد. ھەولمدا شان به شانى
 به‌سەرهاتە کان هه‌موو ئەوانش بخەمەرپۇو
 كە له‌گەل جه‌نگاوه‌رییکەم چۆن ژیام،
 چىم كرد، چىم لەدەستدا و ويستم
 به‌چى بگەم. له‌نووسىنەوهى ئە و رۆزانەدا،
 رابردووم زىندىووبۇوه. به‌لام نه‌مویست
 ھىچ شىتىك به‌زۆر و به‌گونجاندن
 له‌گەل رۆزى ئەمەرۆ دەستىشان بکەم.
 له يەکم پەرتتووکدا بەدواى شەر
 و تىكۈشانى لىيگەرین (بەدوادا گەپان) دە
 کانم راکەرپاکەم كرد. خىزان، سىستەم،
 دەوروبەر، كون و ھەرشىتىك کە به‌چەوتى
 زانى بىت، رووبەرپووی خۆمم كرددەوە
 و رۆيىتم، بەتايمەتىش بەبى ئەوهى
 گوئى بىدمەم بەوهى بەرەو كوى و به‌چى
 دەچم. ھاوکات نە تەياربۇونىكى شىار
 به گەورەبى و بەرفراوانى ئەم رۆشتە و
 نە پىنگە يەكىشدا بۈوم كە به‌شىوه يەكى
 بەھىز جه‌نگاوه‌ریيە كە بەرپىوه بات:
 وەك جه‌نگاوه‌ریيکى نەبرأوه، بى ئۆقرە،
 ناشارەزا، پەلەپپۆز، سۆزدار و سه‌ره‌لەپىرم.
 بەر هه‌موو شىتىك دەكەوم؛ رى رىشتنىكى
 بى باكانە. به‌لام راوه‌ستانم بو نىيە.
 لەدووه‌ميشياندا به جه‌نگاوه‌ریيە كى
 راشكاو و قەبا لە برامبەر به دووژمن،
 به سه‌ره‌هله‌لدىرى و ياخىبوونه‌وه
 درىزه به شەر كەم دەدم. بو ئەوهى

تاکه کانیدا ئەوەندە شۆرپشى درېرخایەن و بە ئازار و هاوکات سەركەتووانەي بەدى نەھىتىاوه. هەربۇيىه گەرەنتى سەركەوتنى گەورە لېرە دايە. ھەول، پەنج و سەبرى بە مرۆقىرىدىنى سوسىالىزم و بەرجەستە كردنى لە ھەر خانە يەكى زىندىوودا لەم تىكۈشانە گەورە يەدا بە گلىئەن و ناواخنى خۆى دەگات. ھەربۇيىه شەپ و تىكۈشانە كەمان بى ئامانە، راکىشەر و يەكگەرە. من ئاشقى ئەشەپ و تىكۈشانەم. ھەميشه ھەر بەھەستەوە پىمكىرد كە سۆزم، خۆشەۋىستىم، ئاوات و خەيالە كامى رېۋاونەتە ناوا ئەمەوە. لە ئىستا بە دواوه تىكۈشانى شۆرپشىگەنەم شابېشانى لايەنە نەپرژاوه كامى، لە ناوا قەشەنگىي تىكۈشانى ئاپۇچىتىدا بە جۆشتە ھېزى رۇيىشتىم پى دەدات. دلەم، ھزر و ھەمۇو ھىزم دەخەمە ناوا تىكۈشانى سەركەوتەوە...



كە بە نۇوسىنه كامى حەقى تەواوه تىيم بە بەسەرەتە كامى داوه، بەپىچەوانەي ھەميشه ئەندىشىم ھەبوو كە "پىنده چىت بەبى ئەوهى بەخۆم بىزام ناخەقىم لو زۆر رووداۋو و ياداوهرى كەرىدىت كە نەمتوانىيۇ دەرىيان بېرم." زۆر كاتىش ھەبوو كە دەمگۈوت: " بىريا كەسى تر بىنۇوسيايە." بەتايه تىيش نۇوسىنه وەي ئامەد ھىننە ئاسان نىيە. بەلام لەو بېرىايد دام كە حەتمەن دەيىت بەسەرەت و پۇداوهە كان بىكىرىن بە مېزۇيپ نۇسراو، بىڭومان لەو بوارەشدا مەرۆف بە دەست خۆى نىيە ھەندىيەك نىگەرانى ھەلەنگىرىت. چونكە تا سەر ئىسقان بە ھەستىكىردن بەھەشەپ و گىانەوە و باسکەرنى جىايد. بەللى، راستىنەي ھەر يەكىكمان پەر لە پۇداويىكى زۆرى لە ژمارە نەھاتسى ئاوهە ئاللۇز و عەفەوى. ھەمۇو ئەوانەي لە ئىمەدا دەر كەوتىنەپۇو سەرپاپاي راستىيە كامان. بەلام راستى ئاپۇچىانە لە گەل ھەمۇو ئەمانەش دا ھاوکات لە دۆخى شەپىتكى چەپر لە بەرامبەر بە تىكىرىياندا پىشكەوتىكى بى وىتەي خولقاند. تايەتمەندى و خۆسەرى جەنگاۋەرىي ئاپۇچىانە لېرەدا بە واتاي خۆى دەگات. چونكە ھىچ شەپ و جەنگىكى تر بە ھىننە ئەمەيان لە ناخى خۆيدا دەولەمەندى ھەلەنگىرتۇوە. ھىچ شۆرپشىك لە ناوا خۆيدا لە گەل يەك بە يەكى

گه‌رانه‌وه بۇ گەوهەرى خۆت

بىشەنگ بىرووسىك



راستى ژن لە گەل سروشت، راستى سروشت لە گەل ژندا تىھەمەلە. ژن و ژيان بە شىوازىتكى يە كىگرتوو لە سروشتدا بەردەۋام لەناوو ھاوسەنگى دان لە ناوو ئەم پەيوهندىدە باه ھىچ شىوازىتكى تاك پەرسىتى و بەرژەوندى خۆازى بۇونى نىيە. بە پىچەوانەوه مەرۆف دەتوانى بلىن لە پەيوهندىدە كى دوو لاينەي ئەخلاقى، سياسى دان و لە ھەر دوو بوارە كان بەپىرسىيارى سروشتى و مافى ژيان كردن ھەيە، بۇ ئەوهېيش ژن لە ناوو سروشتدا باه خۆبەخشى و رەنجىتكى بىن وىتە ئەركى ئەخلاقى خۆى ئەنجام دەدات و بۇ ولامى رەنجى ژن، سروشت ھەركات بەرھمى خۆى لە گەل ژندا دابەش كردوھ و لە يەك تىيگەيىشتن و تەعادولى ژن و سروشت تا پۇزى ئەمەرۆ بەردەۋامە. كاتى باس لە تىيگەيىشتن دەكەرىت زور جار تەنيا بە واتاي پەيوندى بەينى دوو زايەند تىيدەگەين ، بەلام يەكىتى ژن لە گەل سروشت ئەوندە قۇولە كە ژن بۇوه بە پارچەيەك لە سروشت يَا خود دەتوانىن بلىن ژن سروشت بۇ خۆبەختى و سرووشتىش دەيىت بە پارچەيەك لە ژن، ژن كاتى دەست بە شىكارى

سروشت دەكات زور جار لە ئەنجامى تاقىكىرىدەن و كانى دا ئىش و رەنجىتكى زۆر دە كىلىشىت، بۇ پەيدا كردنى پىويسىتى ژيان وەكىو خواردن و خواردنەوە تا دەگاتە دەرمان كردنى مەرۆفە كان زۆر بەدىلى داوه، بەلام لە پىتاوى ئەمەدا سروشت زۆر بەرھەمى گەرينگى لە شەخسى ژندا بە مەرۆفایەتى بەخشىوھ، هەمان كاتدا سروشت بە بۇنەي زەممەت و دەستەنچى پىرۇزى خۆداوندى دەبەخشىتە ژن و ئەو لە ناوو پىرۇزى خۆيدا لە باوش دەگەرىت، ھەر لە بەرئەوهېيش گەراندەن وە لە سروشت، گەراندەن وە يە لە ژن و بە واتايىكى تر حەقىقتە. ئەو زانسى كە دورى حەقىقت كەوتۇھ و لە واتاي



ده کات. له همان کاتدا ژن په یوه‌ندی ئازادی
 له گه‌ل سرووشت پیک دیت. کاتى باس
 له ئازادی ده کرئ په یوه‌ندی سرووشت و
 ئازادی له يك دانه بەرپاون. له سرووشت و
 ژندا حيله، ساخته کاري يا به رژه و ندی په رستى
 بۇنى نيه، له بەر ئەوه يش په یوه‌ندى ژيانى
 ئازاد پیک دیت. سرووشت بهواتاي جەوهەرى
 راستى ژنه. مۆدىزىتەي كاپيتالىست بۇ ئەوهى
 بەها پىروزه کان له ناوا بىات هەمووكات
 هيىشى ژن و سرووشت ده کات. بۇ نمۇونە
 وەکوو پىشتر بەرھەمى سرووشتى دروست
 نابىت و هورمونى هەموو شتە ئورگانيكە کان
 دەستكارى كراون و بۇون به دەرمان.
 هيچ گىايەك بە سرووشتى خۆى ناژى و
 هەمووكات دەسەلاتداران دەست وەردانى
 دەكەن. دارستان، كويستان، چىا و بەحرە کان کاتى
 دەست وەردانىان تىدا دەكمەرىت لە وەرزە کاندا
 تىكەلاوى درووست بىت و وەرزوکان لە کاتى
 خۆيدا پیک نايە و جوانى زوويان نەماوه.
 هۆكارە كەي ئويىھ كە مۆدىزىتەي كاپيتالىست
 تۆلەي خۆى لە سرووشت دەگرىئ و پىش
 لە ژيانى ئاسايى ئەم دەگرىت. سىستەمى
 كاپيتالىست هەموو بەر هەمەكانى سرووشت نە
 بە پىي پىويسى بەلكوو بە پىي به رژه و ندی
 خۆى بەكار دیت. رېبەر ئاپۇ بۇ ئەم بابه تە
 وا دەلى "رۇزىك سرووشت تۆلەي خۆى

گومەلگايىش يېيش ماوه کاتى بە دەستى
 دىت. ديسان گەراندنه و بۇ جەوهەرە كەي
 خۆى پیک دیت. هەروهە خۆ لە بن
 كارىگەرى قەركەرنەن پزگار كردن گەيشتن
 بەناسنامەي جەوهەرى و خۇبوونە. گەرانە وە لە
 جەوهەرى خۆت گەرانە وە لە سەرچاوهى
 مىژووپەيە. نىشاندانى ئىرادە لە ژيانىكۈو لە بن
 دەسەلاتدارى، درۆ، خەلاندەن و لە گەل خيانەت دا
 پۇوبەرپۇو ماوه، پەرتەوازە بۇوه جارىكى تر
 گەياندەن بە راستىي سرووشت وەکو میراتىك
 سەرچاوهى كومەلگا بۇونە. لە واتايەكى راستر
 سرووشت ئىفادەي هەرە جوانى خۆى لە ژندا
 دەبىنى. خولقاندى ژيان بە دەستى ژن دەگاتە
 واتاي راستى خۆى. ئەمرۇ بە دەستى دەسەلاتداران
 هەم هيىشى لە بەرانبەرى سرووشت، هەم هيىشى
 بەرانبەرى ژن بەشىۋازىكى بە سىستەم بە رېيە
 دەچىت. مۆدىزىتەي كاپيتالىست بەتايمەت لە
 لايمەن خۆيە وە كاولكارى بەرەتى دەرسەت
 دەکات و ئەم كاولكاريانە بۇ دەرسەت بۇونى
 سرووشت وەکو كۆسپىكەن و لە هەمان کاتدا
 کات بەرە. ئەمرۇ كە بە پىي هەموو كۆسپە کان
 ديسان ئەگەر سرووشت خۆى نۇئ دەكتە وە
 هەمووى بە رەنجى ژنه. رەنجى بى وەچانى ژن
 ئەمرۇ دەھىلىت كە هەم ژن هەم سرووشت
 لە سەرلنگ راوهستىت. سەرچاوهى سرووشت
 ژنه و ئەم سەرچاوه ئەمرۇ ژيانىكى ئازاد ئاوا

سەرەكىيە كە يەتى ؟ هەر بۇيە راھە كەردىنى لەزىز
ناونىشانىكى جىاوازدا لەوانە يە دووبارە بۇونە وە
يىت. بەلام ئىكۆلۈزىيا با بهتىكى كۆمەلایتى بە
كىشە يە و لە ئىندۇسترىيالىزم واتادار ترە. هەرچەندە
وەك زاراوه ماناى زانسىتى ژىنگە و دەوروبەر
بگە يەنلى، بەلام لە بەنەرە تدا زانسىتى شىكىردىنە وە
پەيوەندىسى توندۇ توڭى نیوان پەرەسەندىنى
كۆمەلگە و ژىنگە كەرى دەوروبەرىيەتى. كاتىك
كىشە كانى ژىنگە زەنگى مەترسى كارەساتيان
لىدا، زياتر بۇو بە رۆزەف: هەرچەندە واتاي
مەترسىدارىش لە خۇ بگىرىت، بەلام كراوه
بە لېيىكى سەربەخۇى لىكۆلۈنە وە، چونكە
ئەويش ھاوشىۋە ئىندۇسترىيالىزم كىشە يەك
نىيە كۆمەلگە ئافاندىتى، بەلكو وەك دواين
داھىتanh كانى قورغكارىيە كانى شارستانىيە تە،
بە شىيەتى بەرفراوانلىرىن كىشە لە رۆزەقى
مېزۇو، جىهان و كۆمەلگەدا جىڭىر بۇوە.
لەوانە يە ھىچ كىشە يەك ھىتىدەي كىشە
ئىكۆلۈزىيە كان سەبارەت بە جىڭىر كەردىنى
پۇوى شاراوه و راستەقىنە سىستەمە كانى
(دەزگاو توپە رېتكىخراوه كان) قازانچ سەرمایە لە
رۆزەقى تەواوى مەرۋاھىيە تىدا گرنگ و بايە خدار
نەيىت. چونكە ئامارى سىستەمى شارستانىيەت
قازانچ سەرمایە (وەك كۆى تەواوى قورغكارىيە
سەربازى، ئابۇورى، بازىرگانى و ئايىنە كانى

دەگىرىت." يانى وائى لىن ھاتۇوه كە سرووشت
يىگۈومان بىن تۆل نامىتى. لە ئەم واتادا ژن
دەرمانى سرووشتە، چون دەپارىيەزى و ئاوهدانى
دە كات. تايىەتمەندى ئافاندىن لە كەسايەتى
ژندا ھەبۇونى ھەيە. لە بەرئە وەش لە سازكىردىن
و چارەسەر كەردىنى سرووشتىدا ژن ئەرك و
رەنجى بەرچاوه. ئەم وەنچاين دەيتە ھۆزى
ئەوه كە سرووشت بەپارىزىت. ژن و سرووشت
ھەركات بۇ نۆئى بۇونە وە كەراون. بەلام كاتى
دەسەلاتدار دەستكەمەتە كانى ژن و سرووشت
دەستبەسەر دەكىن نۆئى بۇون لە ناواو دەبەن.
ژيائىك كە بە عەقلى پىاوى دەسەلاتدار ئاوا
بۇوە كارىيگەرلى لە سەر ژن و سرووشت
كىردوه. ئەم كارىيگەر يانە ئەگەر بەپىگايە كى
رەستىدا نەپروات دەبى كە سرووشت روو
لەناوو چۈون دەروات. لە بەر ئەوهش پىويسىتى
ھەموو ژىنگە پارىزان بۇ پاراستنى سرووشت
ئەركى خۇيان پىك بىن و پىويسىتە لە بوارى
مۇدىيەتى ديموكراتىكدا ھەر سى خالى
پارادىگما (نەتەوهى ديموكراتىك، ئىكۆلۈزى
و ئازادى ژن) لىي تىيىگە يىن چون
خويىتىدە وەي راستى رېيەر ئاپۇز ھەم كىشە
ژن ھەم كىشە سرووشت چارەسەردە كات.
رېيەر ئاپۇز بۇ ئىكۆلۈزى وەها دەلى "پىويسىتى
ئەوه رۇون و ئاشكرايە كە ئىندۇسترىيالىزم ھەم
بەشىكى كىشە ئىكۆلۈزىيە، ھەميش ھۆكارە

ئەلقەيە كى گىنگ لە زنجىرەي پەرەسەندىنە كەمى
 پچىرا، كار لە سەرلەبەرى پەرەسەندىن دەكەت.
 ئىكولۇزىياش زانسى ئەم پەرەسەندىنانە يە. لەبەر
 ئەم ھۆكارانەشە كە زۆر گىنگە. ئەگەر
 هەرىيە كىك لە كۆ سىستەمە ناوخۇيىە كانى
 كۆمەلگە لەبەر ھەر ھۆيەك بىت تىكچوو،
 دەكىرى سەرلەنۈى بە دەستى مەرۆف پىك
 بخريتەوە، چونكە واقىعى كۆمەللايەتى كۆمەلگە
 سەرەنjam بە دەستى مەرۆف بونىاد نراوە.
 بەلام ژىنگە بەم جۆرە نىيە. لېرەوھ ئەگەر
 بەھۆى كارامەيى ھەندىتك گرووب كە لەناو
 كۆمەلگە دەركەوتۇون، يان وردتر بلىيىن
 لە كۆمەلگە ياخى دەبن تا كارەكانيان لە
 سەرەننى كۆمەلگەوە لميانەي قورغۇكارىيى
 قازانچ - سەرمایە پىك بخرين، پچىرانى
 جدى لە ئەلقەكانى ژىنگەدا روو بىدات، ئەوا
 دوور نىيە زنجىرەي كارەساتە سروشىتىيە كان،
 تەواوى ژىنگە و كۆمەلگەيى مرفىشى لەناودا،
 بە يەكەوە رووبەپۈرى قىامەت بکاتەوە.
 ئىمە دەتوانىن بەم شىوازە بە تىنگەيىشتىنى
 راستى رېيەرئاپقۇ تىنگەيىشتىنى راست ژن و
 سروشىت لە گەل نەتەوەي ديمۆكراٰتىكدا
 ژيانى ئەخلاقى و سىاسى پىك بىنин.

درېزايى مېژۇو) تەنها هيى ھەلۋەشانەوەي
 كۆمەلگە نىيە لە ھەموو لايەكەمە (بىنە خلاقى،
 بىسياسەتى، بىكارى، ھەلۋاسانى ئابسۇرۇ،
 لەشفرۇشى...) بەلكو بۇوەتە ئامارى ھەپەشە
 و مەترسىيە كانى سەر ژىنگە و ژيانى
 تەواوى ئەو زىندهوەرانەي تىيدا دەزىن. لەم
 راستىيانە زياتر، بە چى دەتوانىن دوژمنايدى تىيى
 قورغۇكارىيى بەرامبەر بە كۆمەلگە بىسەلمىتىن؟
 ھەرچەندە كۆمەلگەيى مەرۇقايدەتى، بەراورد بە
 سەرجمە زىندهوەرە كانى دىكە، وەك سروشىتىك
 پىناسە بىكىرت كە بەرزتىن ئاستى ژىرىيى و
 شىلگىرى ھەيە، بەلام لە دواشىكارىدا دىسان
 ھەبوونىكى زىنددووه، ئەو دونىايىه. بەرەمەيى
 كەشىو ھەوايەك بە ھەستىيارىيە كى زۆرەوە
 ھاوئاھەنگ و پىكخراوە، ھەرووھا بەرەمەيى
 بەرەسەندىنى سروشىتى جىھانى رووھك و ئازەلە.
 ھەرچى ئەو كۆ سىستەمانەي بۇونى ئاتمۆسەفر
 و ئاواوهەوای جىھانەكەمان و جىھانى رووھك
 و ئازەلیان پىنۋە ھەلۋاسراوە، بەسەر كۆمەلگائى
 مەرۇقايدەتىدا جىھەجى دەبن. ئەو كۆ سىستەمانە
 زۆر ھەستىارىن و زۆر بە توندى بە يەكەوە
 بەستراون، وەك ئەوهى زنجىرەيەك پىك
 بىنن. وەك چۈن لە كاتى پچىرانى ئەلقەيە كەدا
 زنجىرە كە ئەركەكەي لەدەستدەدات، ئەوا
 جىھەندى پەرەسەندىنى سروشىتىش، كاتىك



پههاری من

شههید سارا هؤگر رحا 

له دهرهوه کهش و ههوايەکى خۆشى بههارى ھەيە رۆز گەرمای خۆى بە ھەر لايەكدا
بلاو دە كاتەوه.

ئىنسان دەيەھەويت بکەويتە ناو جوش و خرۇشەوه و بکەويتە جموجۇل.

بههارىش له ئەسلىدا ھەر وەھايە. پىناسەي زىندۇو بۇونە. ئەو ههوايەى كە لە
مانگە كانى زستاندا لەگەل خۆى بەستەلەك دىنیت؛ تىپەپى گەرمىا و رەنگاۋەنگ
بۇون دەبىت.

بۇ سەرچاوهى ژيان، بەفرەكان دەتوينەوه و بەفراوه كان جۈگە دەبەستن و دەكەونە پى.
سەرەپاي ھەر شتىك، گولەكان سەر دەردىتن و دەپشكۈن. چيا كانى وەلاتە كەم،

وەک شۆرپشگىپىكى مروقايەتى، بۇ ئەوهىكە بەهار پېشکەشى مروقايەتى بکەين، شەر دەكەين.

بە گەرمىيەت تاوى بەهارەوھ، ئىمە سلاوتان بۇ دەنيرىن. بەهار تەنبا بە هەتاوهەدە يە. ئاخۇ ژيانىش ھەر ئەوه نىيە؟ ئەگەر مروقىك خۇراغرى نەكەت؛ لەدەورى ئەو كەسانەت كە ئىش دەكىشنى، ئىش نەكىشىت و ھەستيان پىنهكەت؛ ئەوا چۈن دەتوانىت بېيتە شۆرپشگىپى ئازادى كوردستان؟ لە دونيايدا دروست بۇونى شۆرپشگىران، جوش و خرۇشىكى زۇر دەبەخشىتە من.

لە كوردستان باى بەهارى ھەلى كردووه و گىا سەرى دەرھىنداوه و وا بالا دەكەت. ئاخۇ ئەو گىا، بۇ ئەوهىكە سلاويىك ئاراستەتى بەهار بکات، قەت ئاو دەدرىيەت؟ گىايى وەلاتى من بە خويىن ئاو دراون بە خويىن...

شۆرپشگىپى بۇ ئىشى تەواوى مروقايەتى بۇتە دەرمان.

بە شىنكاىيى دەرازىتەوھ. لەو ھەوايەدا دەمانھەۋىت بکەوينە جوش و جوولەوھ، بەلام ناتوانىن زۇر ئەوه بکەين. دلمان لە سينەدا لىىدەدات و جىڭەتى نابىتەوھ. لە بەر بالا فېرى كەشىف ھەر دەمانھەۋىت باران بىارىت. سەرەپاي ھەممۇسى ئەوانەش بۇ ئەوهى كە لەگەل بەهار ژيان بکەين، ناتوانىت ئىمە ئاستەنگ بکات.

پېش تر نەماندەزانى بەهار ئەوهندە خوشە و لەگەل خۆئى نۇئى بۇونەوە دىيىت. وەك چۈن لەناو پىكىدا جوانىيەكان دەبىنин، ئەوا لە بەهار يىشدا سەرچەمى ئەو جوانيانە دەبىنин.

بەهار، چەندە جوانى؛ ناوى تو تام بە گوئىرەت تۆيە. بىر بکەوھ، ئەگەر سەرچەم مروقايەتى لەگەل تو كەوتبايە جوش و خرۇشەوھ، ئەوكات خەراپە و ئىش كەشان كۆتاىى پىدەھات. سال ئىش كەشان كۆتاىى پىدەھات. سال هەر ھەممۇسى وەك بەهار تىپەر دەبۇون. يانى سال بىبۇيا بە بەهار، ئەوكات راستى و رەمىزى ژيان دىيار و ئاشكرا دەبۇو.

بۆ ریپەر و پشتیوانى رژگارى، ریپەر ئاپۆ

من وەك كچە كوردىك، لە خاكىكەوە كە سەدەكانه هەۋلى پاراستنى ناسنامە، كەلتۈرۈز زمانەكەي داوه و تا ئىستاش لە بەرانبەرى زۆھبار و نادادپەرۇھى دەۋەستىتەوە، ئەم نامەيەم نوسىيۇوە . هەرۇھە هەرجار ناوى تۆ دەبىستم ناوىك كە بە هەقىل و ئىرادە و خۆپاڭرى دىتەوە وەبىرم و دلەم پېر دەبىت لە خۆگەرھىي و شانازى .

تۆ نەك تەنبا پېيەرىك، بەلكو پۇوناكيەكى بۆ ملىونان كەس كە لەپىگاي دادپەرۇھى و ماقى ھاوشىتۇھە لەدەچن .

لە جىهانىك كە هەولىدان بۆ زىندىوھىشتنى ناسنامە و كەلتۈرۈز هەموو باجىكى قورسى هەيە، تۆ ئىيمەت فىر كرد كو ھىچكەت خۆمان بە دەستەوە نەدەين . لە تۆ فىرىيۇوم كە ژىن بۇون، نە لاوازىيەكى تەواوه، بەلكو سەرچاوهى ھىزە .

فىرمانت كرد كە ئازادى ژنان بىنەماكانى ئازادى نەتەوەيەكە . تۆ فىرمانت كرد كە شەپەنھا لە ميدان نىيە، بەلكوو لە بىر و ھىز، فىركىردن و يەكگەرتووپىشدا هەيە . وەك كچىكى كورد، خۇم بە بەرز دەزانم كە هەموو جارىك لە زيانەكەم، بۆ پاراستنى زمان، كەلتۈرۈز

لە پىنۇوسى ژنەكى گەنچ



و نرخه کانمان ههول بدهم. خوم و هک ئەركى تاييھتى دەبىنم كە دەنگى ژنانمان بەم، ئەو ژنانەى كە ھەموو جار دەز بە زقى ھەلە وەستاون، ھەرچەند دەنگيان نەبووه.

تۆ ھەميشە وتۇوتە يەكگەرتوویى، كلىلى بىزگارىيە. من ھەول دەدەم لەو پىگايە پىدىك بەم لە نىوان نەوهى راپىردوو و داھاتسوو. ئەو نەوهىيەى كە چىرۇكى، شەپ و خۇراڭرى لە بىر ناڪات.

پىبەرى خۆشەويسىت، باوهەرم بەوهىيە كە دەنگى تۆ ھېچكەت بىدەنگ نابىيت. ھەر لە ناو بىدەنگى زىداشىدا، بىرەكانت وەك ئاڭرىيە زېردەنگ، لە دلەكەنماندا ئاڭرىين دەبى. ئەم نامەيە لەوانەيە دەستان نەكەۋىت، بەلام ھەموو وشەي ئەم نامەيە، ئاراستەكردنەوهى خۆشەويسىتى، پىز و ئەركىكى تاييھتىيە كە بە تۆ پىگاكەت ھەمە.

ھىۋادارم پۇزىك بىت كە خاکەكەمان ئازاد بىت، ژنانمان بەرز بن و كەلتۈرمان بۇ جىهان ناسراو بىت. تا ئەو پۇزە، پىگاكەت بەرددوام دەگرىن، چونكە تۆ نەتهنىا پىبەرىيكت، بەلكو ھىمایەكىت پىر لە ھىوا و بەرددوامى....

بە ھىوای تەندىرووستى و ئازادى بۇ تۆ

JI BO JINAN 8Ê ADARA 2000 AN

JI BO BI TE RE BIJÎM

DI NAVBERA ME DE JI ADEM Û HEWA VE

DIRIYÊN HATINE ÇANDIN BÊN RAKIRIN

DÎWARÊN HATINE BILIND KIRIN BÊN RAKIRIN

JI BO VÊ: ÇÎNA DESTPÊKÊ, SERWERÊ DESTPÊKÊ

MÊRANIYA DEREWKAR WERE TÊK BIRIN

Û AGIRÊ KU ॥ARISTANIYÊ DIZIYE BÊ GIRTIN

JI BO VÊ: MIN ॥EREKÎ BERDÊLÎ HEMÛ PROMETHEÛSAN

GIRT BER ÇAVAN

DINIYAYÊ LI HEMBER XWE DÎT

Û LI WELATÊN PROMETHUS BI XAYÎNÎ HATIM DÜLKISTIN

EY DAYÎKA PÎROZÛ JINA SEWDAYÊ



RÊBER APO

HEVRÊ Û HOGIR

JI PÊNÛSA GERÎLA

MIN QET FÊR NEBÛM

MIN QET FÊR NABIM

ÊŞÊN KU JANA DILÊ MIN DE

DIKELE Û DIKELE

QET MIROV BÎR DIKE ?

MIROV QET JI BÎR DIKE HEVRÊYÊN XWE ?

DEMA ÇAV LÊ DIKÎ

ÇAVÊN REŞ MÎNA ASÎMANAN LÊ TÊ

LEWRA QET JI BÎR NAÇE HEVRÊ Û HOGIRÊ MIN

JI BÎRAM NAÇÊ RÛKENA WELATÊ MIN

DEMA XWE DIGHÎNIM LÛTKEYÊN ÇIYAYAN

ÇAVÊN MIN LI HEVRÊYAN DIGERIN

DEMA ÇAVÊN XWE DIGHÎNIM ERŞ Û ASÎMANAN

STÊRKAN DIBÎNIM

RÛYEKÎ PAQIJ Û LÊVÊN KEN DIBÎNIM

LÊ DEMA DESTÊN XWE DIRÊJ DIKIM

WINDA DIBE CESDEYÊ KU HATIBÛ BER ÇAVÊN MIN

DI BÊRÎKIRINA WELAT DE

MIN HER BI HESRETA DILA XWE RE MAM



HESRET Û BÊRÎKIRINA DILÊ MIN

KAMYARANA WARÊ EGÎDANE

EGÎDÊN KU

DI DÎROKÊ DE NAVÊN LEHENGÎ NIVÎSANDINE

EZ LI LAÇIKEKÊ DIGERIYAM

LÊ EZ BI RONDIKÊ DAYÎKAN RE RAST DIHATIM

Jİ BO DÊHATIYA DOZA XWE BIPÊÇÎNIM

EZ LI LAÇIKEKÊ DIGERIYAM

LÊ EZ BI RENGÊN WELATÊ XWE RE RAST DIHATIM

DEMA MIN LAÇIKEK DÎT

EZ BÛM DOZA WELATEKÎ

KES NIKARIBÛ BÊJE KURD

LÊ DEMA MIN QÊRÎNA BI NAVÊ KURDISTAN KIR

WÊ DEMÊ MIN DI BEHRA HEVRÊTÎ DE BÛM

HEVRÊ Û HOGIR

 Jİ BO ŞEHÎD VIYAN HELO

LÊGERÎNA AZADIYÊ



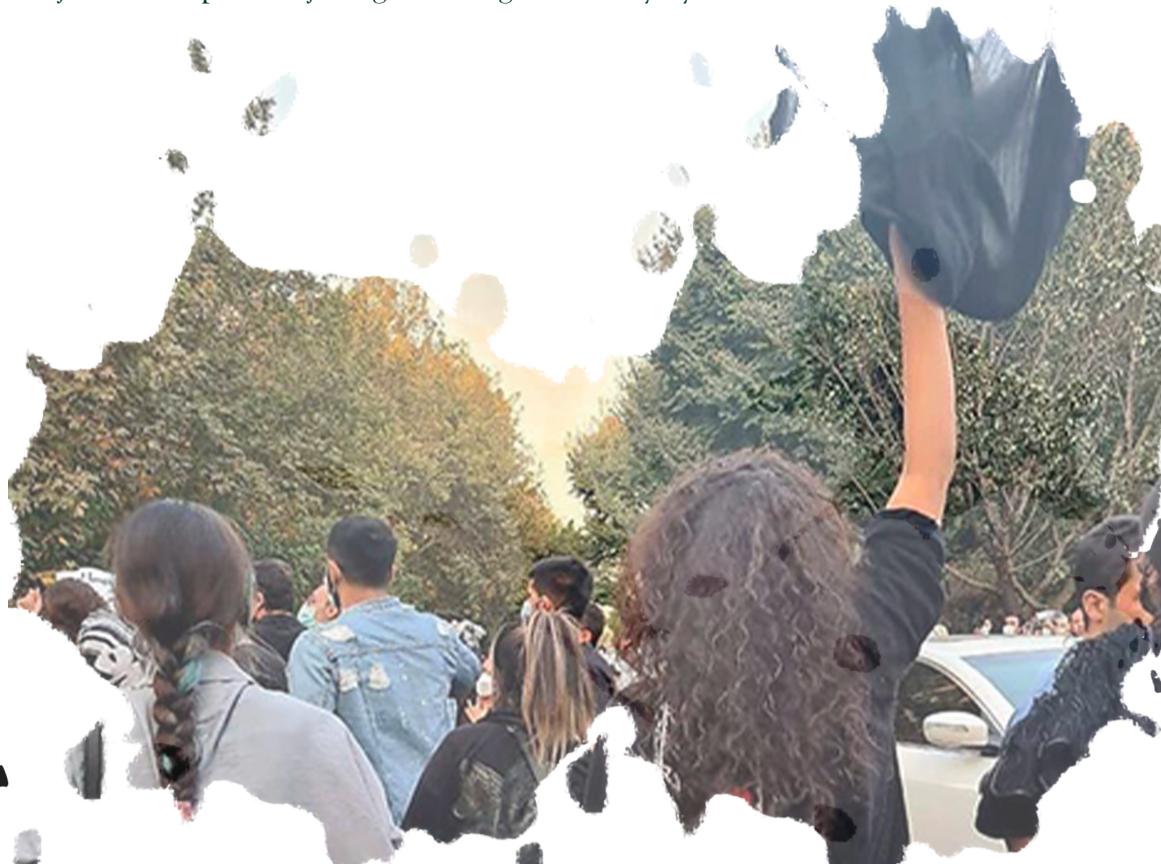
JI PÊNÛSA JINEKE CIWAN

Azadî çi ye? Gelo pêwîstiya me bi azadiyê heye an nîne? Em çiqas azadin-? Dibe ku pir caran em di jiyanê de ji xwe dipirsin, gelo em çawa xwe bighînin azadiyê? Ez jî .weke jineke ciwan pir caran min ev ji xwe pirsiye

Sîstem me fêrî azadiya sexte dike. Ji ber ku em nikarin lêgerînên xwe bi nav bikin, em fêrî sîstema sermayedar ku azadiya sexte pêlkêlî mirovahiyê dike dibin. Per pitandina çûkekî di qefesê de ma ne lêgerîna azadiyê ye? Em di nava qefesê de dixwazin serî rakin, mirovekî di nava qefesê de çawa azad dibe? Dijmin bi azadiyeke sexte dixwaze me bixapîne. Eger em derkevin derveyî malê, belê zanîngehê yê ku em dixwazin em dixwazin em bixwînin, çi ॥al be çi rast be ya ku dilê dixwaze em wê bikin, vê ji me re weke azadî pêlkêlî di esas de ev hemû jî ne biryarêne me ne, ev modela jiyana ku sîstem li ser me ferz dike. Jin her tim di nava lêgerînê de ye, di xwezaya jin bi xwe de lêgerîn heye. Civaka xwezayî bi pêlengtiya jinê bi rêve dicû,



lê bi destê zihniyeta zilamsalar hat kole kirin. Lê her tim bi awayekî jin ew koletî qebûl ne kiriye û li hember derketiye. Mînaka wê her roj di malê de, di dibistanê de, di kolanan de û li hemû qadêñ jiyanê tê jiyan kirin. Di malbatê de jin îrade ne dîtin û li lûna wê biryara jiyana wê girtin her wiha di bin navê guneh û heram de her tiilt qedexe kirin, di me de bertek û ne qebûl kirineke mezin ava dike. Lê eger em vê ne qebûl kirinê ne zîvirînin zanebûnê emê biçin bi riyên ॥al de. Mînak çixare qedexeye, emê biçin çixara vexwin. Hezkirin qedexeye, emê bikevin lêgerînê weke “ez werim hezkirin”. Di vir de jiyan jî bo me bê wate dibe û em dikevin lêgerînê xwe kuittinê. Lê di rastî de ev ne qebûl kirin û acizbûnênu ku derdikevin hemû raprînin, tenê em nikarin wan bi nav bikin. Her lêgerînek raperîneke, tenê em wan bi nav bikin û bi zanebûn bikin, wisa emê lêgerîna xwe ya azadiyê bi ser bixin û guhertinan ava bikin. Rêber Apo dibêje: li jinê gerandin li welat gerandine. Mirov di fikir û ramanê Rêber Apo de xwe nas dike û fêm dike. Wê demê em dest bi tekoînê dikin, ev tkoîn me ber bi azadiyê ve dibe. Ev hemû bi lêgerîna azadiyê dibe, .ji bo wê jî Rêber Apo dibêje: lêgerîn dergehê azadiyê ye





ŞEHÎD JIYAN HERDEM

ŞEHÎD SARA HOGIR

ŞEHÎD TEKOŞÎN DILGES

ŞEHÎD NÛJIYAN AMED

ŞEHÎD BERFÎN ROJ

ŞEHÎD BIŞENG BRÛSK

ŞEHÎD ŞÎLAN ZAGROS

ŞEHÎD ARYEN ARÊ

نیکا شاکرمنی



ژینا امینی



زهرا جلیلیان



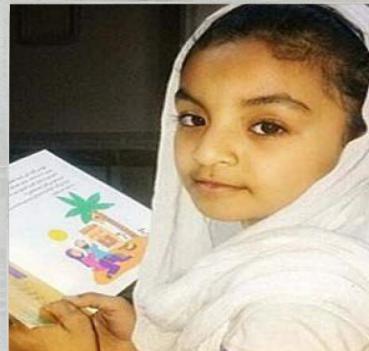
سارینا اسماعیلزاده



روشننا(هلن) احمدی



سها اعتباری





به جه‌وانی دهستانماز پیکرد و به جه‌وانیش سه‌رده که‌وین

JILEMO

کۆمەلگای جه‌وانانی رۆژه‌هلاتی کوردستان ^و یه‌کیتی ژنانی جه‌وانی رۆژه‌هلاتی کوردستان

ئادار لە هەموو ژنانی تېکوپشەر

پېر و ز بىت

